



عصر

روزنامه اجتماعی و اقتصادی
دوشنبه
۴ تیر ۱۴۰۳ • ۱۷ ذی الحجه ۱۴۴۵ • 24 Jun 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره سیصد و هفتاد و یک
www.asrghanoon.ir

بال های روحانی بر شانه پزشکيان

کامبیز مهدی زاده، داماد حسن روحانی، رئیس جمهور سابق در صفحه خود نوشت: حسن روحانی دو بال خود را به پزشکيان داده، بال سمت راست ظریف و بال سمت چپ آذری جهرمی، امروز محمدجوادها برای پیروزی مسعود پزشکيان تا رسیدن به آرزو با حمایت شما مردم بال خواهند زد و پرواز خواهند کرد آن گونه که شما می خواهید، نه آن گونه که عده ای قلیل و تندرو می خواهند.

سندرز-کلینتون و ایده اشتباه (مهندسی انتخابات)



○ هیلاری کلینتون در عین برخورداری از ظرفیت جذب رای بهتر در میان مستقلین در انتخابات اصلی در برابر ترامپ، مشکل آرای منفی زیاد را هم داشت.

۲

بررسی سه گزینه روی میز دیانت و سیاست



○ پیامبر اسلام (ص) آیا درباره چگونگی ادامه حیات دو نهال مزبور (اصل اسلام و حکومت آن) چاره ای اندیشیده بود، یا آن را به حال خود واگذار نمود؟ ...

۳

جنگ با لبنان به منزله خودکشی اسرائیل است



○ جنگ غزه برای ارتش و اقتصاد و جامعه و روابط تل آویو با دنیا خسارت بار است و ارتش نمی تواند حماس را از بین ببرد.

۴

در آثار داستانی فلسطینی رنج، موج می زند



○ شخصیت فلسطینی از قدم زدن در خیابان احساس رنج دارد، این روایت رنج همراه با نشان دادن تجربه های ارزشمند بشری است. در این ما از رنج بزرگی که ویرانگر است و تا عمق جان نفوذ کرده صحبت می کنیم.

۱

آهن یاره ها تا اثر شهر را احاطه کرده اند!



○ چه کسی باید پاسخ دهد؟ این چه کاری است؟ همه ناراحت هستند.

۱

مذاکره تراکتور با بازیکنان پرسپولیس



○ وقتی بحث واگذاری مطرح شد کارها همانطور ماند و اکنون همه تمرکز مان روی واگذاری است.

۸

بال های روحانی بر شانه پزشکيان

داماد روحانی: حسن روحانی دو بال خود را به پزشکيان داده

بال سمت راست ظریف و بال سمت چپ آذری جهرمی



آخرین‌والبته‌سخت‌ترین‌پیچ!

ابوالقاسم علیزاده

چنانکه پیش بینی می‌شد، انتخابات هشتم تیر ماه سال جاری، حساس‌ترین و البته سرنوشت‌سازترین انتخاباتی است که خواص و عوام جامعه اسلامی و انقلابی ایران، از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون تجربه می‌نمایند. پس از شهادت شهید جمهور آیت‌الله دکتر رئیسی که خود نقطه عطفی در تاریخ ایران اسلامی گردید و برای همیشه زمان روش و منش و سبک مدیریت مردمی و جهادی ایشان جاودانه ماندگار شد. شرایطی برای ملت بزرگ ایران پیش آمد که در مسیر رسیدن به قله باید خود را برای عبور از آخرین پیچ سخت و دشوار، همه جوره آماده نماید.

چنانکه شواهد نشان می‌دهد این انتخابات تنها انتخاب یک عنصر برای کرسی ریاست جمهوری آینده نیست بلکه تثبیت جریان زلال خدمت صادقانه و بی منت به مردم و کشور و مکتب نورانی اسلام است که ریل‌گذاری آن را رئیس جمهور شهید آقای رئیسی با اهدای جان خود، بفضل الهی به سرانجام رسانید. آنچه نباید هرگز فراموش کرد: عدم بازگشت به شرایط پر از التهاب و انحراف و التقاط قبل از سال ۱۴۰۰ است و لذا آنچه بیش از هر چیز باید مد نظر هر ایرانی باوجدان و دلسوز به وطن و آینده کشور قرار داشته باشد اینست که اولاً؛ حماسه مشارکت آحاد مردم در جهت تکمیل حماسه قدر شناسانه بدرقه شهدای خدمت، پمپاژ امید و عزت و اقتدار به متن جامعه است و ثانیاً؛ انتخاب رئیس جمهوری که تراز ملت غیور ایران اسلامی باشد و این مهم جز از راه اجماع کاندیداهای جبهه انقلاب امکان پذیر نخواهد بود.

بحق انتخابات پیش روی، صحنه امتحان سختی است برای دل‌دادگان به ارزشها و آرمانها و میراث امام و شهدای والا مقام که شاهد کلید اصلی قفل آن و سربلندی در این آزمون سخت همان است که امام خامنه‌ای عزیز (مد ظله) فرمودند و آن حماسه‌ای برای تکمیل حماسه بدرقه شهید جمهور و رقابتی جدی برای خدمت نه قدرت، که قطعا در این فضا است که مصالح انقلاب و مردم بر مصالح شخصی کاندیداهای عزیز که همه آنها سرمایه‌های نظام و انقلاب و مردم محسوب می‌شوند رجحان می‌یابد و این انتظار را تقویت می‌کند که بیش از همه ی آحاد مردم حزب الله، این شخصیت‌های مدعی ریاست جمهوری هستند که باید در شرایط سخت و در این پیچ آخر و البته حساس و سرنوشت‌ساز با بصیرت و صبوری و ایثار، به اجماع فکر نموده و آخر الامر به یک نفر متمرکز بشوند و البته در این جاده ی دو طرفه آن فرد هم دولت آینده را دولت شخصی خود نبیند و بلکه دولتی زاینده اجماع و با استفاده از همه ی ظرفیت‌ها، حرکت رو به رشد و پیشرفت و آبادانی کشور را به نفع مردم و اسلام عزیز در جهت حرکتی فزاینده و خیره کننده؛ سامان دهد. انشالله.

سال‌ها با اینستکس و FATF سرکار بودند

سختگوی دولت: سال‌ها با اینستکس و FATF سرکار بودند و سلامت و معیشت مردم را به خارج گره زدند حالا طلبکار شدند

در ابتدای دولت دیدید که تحریم‌ها برای کشور دو مشکل ایجاد کرده بود. هم امکان فروش نفت وجود نداشت، هم بخش خصوصی در تجارت خارجی دچار مشکل جدی شده بود.

در این دولت هم فروش نفت بالا رفت و هم رکورد تجارت بخش خصوصی شکست و در سال ۱۰۴۱ توانستیم ۲۱۱ میلیارد دلار و در سال ۲۰۴۱ رقم ۷۱۱ میلیارد دلار تجارت خارجی غیرنفتی داشته باشیم.

در همان دوره قبل اینستکس یعنی سازوکار نفت در برابر غذا و دارو را با دیپلماسی التماسی پذیرفتند، نه تنها هیچ اثر مثبتی نداشت، بلکه بعد از عدم موفقیت، خلق نقدینگی و تورم بالا ایجاد کرد.

امروز می‌گویند که ترامپ نمی‌گذاشت نفت بفروشیم ولی بایند گذاشت؛ ۹ ماه با ریاست جمهوری همان فرد فعالیت کردند ولی باز هم نتوانستند نفت بفروشند.

همان کسانی که مسئولیت داشتند، به‌جای پاسخگو بودن طلبکار هستند، می‌گفتند که تا FATF پذیرفته نشود، نمی‌توان واکسن وارد کرد.

یا شروع ریاست جمهوری شهید رئیسی، در عرض سه ماه از قعر جدول مدیریت کرونا در جهان، به صدر جدول رسیده است.

نامزدهای انتخابات حرف‌های امیدبخش‌بزنند

حسینعلی حاجی‌دلگانی



حسینعلی حاجی‌دلگانی در گفتگو با خبرنگار مهر، با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان دستگاه قضا مبنی بر اینکه نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دقت کنند که مبادا حرف دشمن‌پسند نزنند، گفت: دشمنان جمهوری اسلامی ایران قطعاً خوبی ما را نمی‌خواهند و همیشه به دنبال عقب ماندن جمهوری اسلامی ایران هستند و نمی‌خواهند که ما پیشرفت کنیم.

وی تأکید کرد: بر این اساس، اگر نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در تبلیغات انتخاباتی خود حرف‌هایی بزنند که باعث شود دشمنان ما شاد شوند، عملاً این کار به نفع دشمنان جمهوری اسلامی ایران است و نباید اینگونه باشد.

نامزدهای انتخابات حرف‌های دشمن‌پسند نزنند

نماینده مردم شاهین شهر در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: این نکته بسیار دقیقی بود که حضرت آقا به آن اشاره فرمودند که نامزدهای انتخابات حرف‌های دشمن‌پسند نزنند. بنابراین در این مدت باقی مانده از زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، حتماً باید نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری این موضوع را رعایت کنند و مدنظر داشته باشند.

حاجی‌دلگانی در ادامه، گفت: به نظر می‌رسد که نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری کمتر به عمق مسائل می‌پردازند و ورود می‌کنند و نگاه آنان بیشتر به تشریح وضعیت موجود یا نقد آن است. در حالی که آنان باید عمیق‌تر از این، ریشه‌های مشکلات کشور را برای مردم واکاوی و برای حل این مشکلات راهکار دهند.

نماینده مردم شاهین شهر در مجلس شورای اسلامی گفت: همچنین در صحبت‌های نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری با یکدیگر گاهی اوقات کنایه‌هایی نهفته است که مردم خیلی تمایلی به شنیدن این صحبت‌ها ندارند و برخی از اوقات هم نکاتی گفته می‌شود که ممکن است موارد و مصادیقی باشد که دشمن از شنیدن آن شاد شود.

کاندیداها برای رفع مشکلات راهکار دهند

وی تأکید کرد: بهتر است نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری علل مشکلات و وضعیت موجود کشور را مورد توجه قرار دهند و باید علل به وجود آمدن مشکلات کشور

را توضیح دهند و راهکار ارائه دهند که چگونه می‌خواهند این مشکلات را حل کنند؛ برای مثال، آنان باید بگویند که برای حل مشکل بورس واقعاً می‌خواهند چه اقدامی انجام دهند. امروز بیش از نیمی از مردم کشورمان در بازار سرمایه سرمایه‌گذاری کرده‌اند و از وضعیت بازار بورس نگران و مضطرب هستند.

حاجی‌دلگانی ادامه داد: همچنین بهره‌بانکی و علل افزایش شدید سودهای بانکی و دریافت سود مرکب از جمله مسائل اساسی است که باید نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری درباره راهکارهای خود برای رفع این مشکلات به مردم توضیح دهند.

نماینده مردم شاهین شهر در مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: علاوه بر این، نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری باید درباره آنالیز قیمت‌ها توضیح دهند که چرا قیمت‌ها تا این حد افزایش پیدا می‌کند و علت این مسئله چیست. بهتر است نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری و مشاوران آنان به این موضوعات توجه داشته باشند تا در مناظرات و گفتگوهای تبلیغاتی بعدی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری شاهد طرح این مباحث باشیم.

وی تأکید کرد: به هر صورت نباید نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری حرفی بزنند که باعث شاد شدن دشمنان جمهوری اسلامی ایران شوند و باید حرف‌هایی بزنند که مردم امید و رغبت پیدا کنند که پای صندوق‌های رأی بیایند و رئیس جمهور را با مشارکت بالای خود انتخاب کنند.

ایده‌کانونی

این مطالب برای کسانی که صحنه احساسی و عاطفی را بیشتر از صحنه عقلانی و اخلاقی می‌پسندند مفید نیست. علت اینکه اینها با سبک مناظرات صدا و سیما مخالفند نیز عموماً همین نکته است.

اما وقتی هر کاندیدا را که خوب اسکن می‌کنیم، یک نقطه کانونی و ایده محوری دارد که ما بقی سخنانش حول آن ایده کانونی سامان یافته. آن ایده محوری را خوب است پیدا کنیم و مقایسه نماییم.

ایده محوری پزشک‌بازگشت به مذاکره با غرب است. مذاکره به سبک دولت روحانی و ظرفیت، آنچه درباره رجوع به کارشناس و وحدت و اینها می‌گوید همگی مثل فلشی است که مصداقش این است.

ایده پورمحمدی، ترمیم اعتماد مردم و ایجاد وحدت است. ترمیم احساس ناامیدی و انسدادی که در مردم شکل گرفته. او ریشه بی اعتمادی و ناامیدی را سبک مدیریت کشور میدانند. سبک او به نوعی پوپولیسم و عوامگرایی (توصیفی می‌گویم نه ارزشی) در اجرا منتهی می‌شود.

ایده اصلی قالیباف بهروری و جلوگیری از هدر رفت انرژی بوسیله قدرت مدیریت است. او معتقد است به این روش همه مشکلات اقتصادی قابل حل است. دست او در تعامل با دنیا باز میشود، فشار اقتصادی به مردم را هم بر می‌دارد.

ایده اصلی جلیلی حضور مردم در میدان است بوسیله قدرت مدیریت. اینکه او معتقد است شرایط جهانی برای ایران فرصت‌های فوق العاده‌ای ایجاد کرده، و ایران در آستانه جهش جدی است، توصیف موقعیت ما است. اما کانون توصیه‌های او، آوردن مردم به صحنه است. او برای آوردن مردم به صحنه معتقد است باید اولویت‌های کشور را بشناسیم تا به همه اقشار و گروه‌ها و نهادها در این جهت متناسب با ظرفیتشان، ماموریت متناسب و مشخص بدهیم. ایده کانونی زاکانی، یارانه طلا است. این میتواند گام اول در پایه گذاشتن طلا در اقتصاد باشد که عملاً باعث شکستن ساختار و نظام اقتصادی بر پایه پول و دلار میشود. این ایده البته، اکثر متخصصین را همراه نمیکند و اقلیتی از اقتصاددانان به آن معتقدند.

ایده کانونی قاضی زاده مساله زن و خانواده است. او تلاش می‌کند با رویکردی تربیتی و فرهنگی مساله خانواده را در کشور جدی کند و از آن ثمرات اقتصادی و سیاسی بگیرد. ممکن است از من بپرسید، بر این اساس تو کدام ایده را میپسندی؟

پاسخ من ایده آقای جلیلی است. آنهم با فاصله نسبت به دیگران.

اما اگر بپرسید فکر میکنی، کدام کاندیدا، احتمال بیشتری دارد که از پس ایده‌اش بر بیاید و بتواند آن را عملیاتی کند؟ پاسخ من آقای قالیباف است.

سندرز-کلینتون و ایده اشتباه «مهندسی انتخابات»

سید آرش وکیلیان



هم داشت. رای منفی یعنی کسانی که به هیچ وجه حاضر نیستند به یک کاندیدا رای دهند یا برعکس به مخالفت وی رای می‌دهند.

حامیان کلینتون نظیر دانا برزینل که مدیریت حزب را در اختیار داشتند با یک عملیات پیچیده مهندسی کاری کردند که کلینتون بر سندرز غلبه کند و سندرز مجبور به کناره‌گیری شود. افشای این موضوع بشدت به زیان وی در انتخابات اصلی در برابر ترامپ انجامید.

عواملی همچون رای منفی زیادتر یک نامزد و طراحی اقدامات حذف رقیب به صورت نامنصفانه، سبب میشود یک ترکیب سمی تولید شود که روند امور را برخلاف نظرسنجی‌ها پیش ببرد.

در مورد ایران، اگر قالیباف (که برخلاف جلیلی هواداران جان برکف کمی دارد) به طور طبیعی بر جلیلی در مرحله اول غلبه کند، احتمال زیادی هست که آن هواداران را در مرحله دوم از بابت رای منفی به پزشک‌بازگشت جذب خود نماید و بتواند اوج بگیرد. اما اگر این اتفاق پیش از انتخابات از طریق یک شبه مهندسی سیاسی اتفاق بیفتد، نه

این روزها خیلی درباره لزوم کنار کشیدن یکی از کاندیدا (جلیلی یا قالیباف) به نفع دیگری برای پیروزی در مرحله اول استدلال می‌شود. طرفداران این ایده که نوعاً حامی قالیباف هستند. آنان با توجه به کناره‌گیری عارف در سال ۹۲ به نفع روحانی، مدعی هستند که با این کار قالیباف می‌تواند در دور اول پیروز شود، چراکه ظرفیت بالاتر جذب رای دارد. شاید آنها گمان می‌کنند، که احتمالاً قالیباف در یک رقابت مهندسی نشده نمی‌تواند بر رقیب پیروز گردد و در نتیجه باید یک حرکت تاکتیکی انجام گیرد. با توجه به اینکه نظرسنجی‌ها رقابت‌شانه به شانه جلیلی و قالیباف را نشان می‌دهد و دقیقاً نمی‌توان گفت کدام جلوتر هستند، فعلاً مجبوریم سراغ تجربه نگاری برویم و شاید انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا آینه عبرت باشد.

در سال ۲۰۱۶ رقابت شدیدی بین هیلاری کلینتون، نامزد جناح راست حزب دموکرات، و برنی سندرز، نامزد جناح چپ حزب، در جریان بود. هیلاری کلینتون در عین برخورداری از ظرفیت جذب رای بهتر در میان مستقلین در انتخابات اصلی در برابر ترامپ، مشکل آرای منفی زیاد را

است حامیان نامزدها تلاش کنند در انتخابات به شیوه منصفانه بر رقیب غلبه کنند.

تنها بسیاری از حامیان جلیلی حاضر به فعالیت انتخاباتی برای تبلیغ قالیباف نخواهند شد، بلکه جناح مخالف با حربه «مهندسی انتخابات» برای برنده شدن قالیباف، آرای منفی قالیباف را جذب می‌کند و بر وی غلبه می‌کند.

لذا در وضعیتی که رقابت‌شانه به شانه و طرف پیروز نامشخص است و یک موج اجتماعی به نفع قالیباف یا جلیلی برنخاسته، هر گونه تاکتیک شبه مهندسی انتخابات تبعات بسیار بدتری می‌تواند داشته باشد. لذا بهتر

جمع بندی: یک سناریوی بسیار محتمل آن است که اگر قالیباف به طور رقابتی و منصفانه بر جلیلی پیروز شود، در دور دوم ظرفیت آرای مثبتش فعال می‌شود و شانس پیروزی زیادی بر پزشک‌بازگشت دارد؛ اما اگر به طور غیرمنصفانه با فشار سیاسی بر جلیلی، وی را کنار بزند ظرفیت آرای منفی اش فعال میشود و اتفاقاً پزشک‌بازگشت بر وی غلبه می‌کند.

محمد حسن قدردان قراملکی

پیامبر(ص) و غدیر؛ بررسی سه‌گزینه‌روی میز دینانت و سیاست

غدیر برای مسلمانان و به ویژه شیعیان یک واقعه صرف نبود؛ بلکه تعیین تکلیف پیامبر اکرم (ص) برای مسلمین بود تا هر آنکس که در آن محل حضور دارد دستور رسول خدا را بشنود و برای آنانکه که آنجا نبودند پیام را انتقال دهد. اکنون قرن‌ها از واقعه غدیر خم گذشته است و ماهیت آن بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست.

فرارسیدن این ایام پیامبر اسلام(ص) در پرتو مجاهدت‌ها و کوشش‌های ۲۳ ساله خود دو نهال نوپایی را به نام آیین مقدس اسلام و حکومت دینی به وجود آورده بود که نفس نوپای بودن آن دو به حفاظت و صیانت از انواع آسیب‌ها و آفت‌ها نیازمند بود که عمر کوتاه حضرت به آن کفاف نداد. این در حالی بود که خطر دشمن خارجی روم و ایران باستان، خطر داخلی (منافقان) اسلام را تهدید می‌کرد. حال این سؤال مطرح است که پیامبر اسلام(ص) آیا درباره چگونه ادامه حیات دو نهال مزبور (اصل اسلام و حکومت آن) چاره‌ای اندیشیده بود، یا آن را به حال خود واگذار نمود؟ سه گزینه و راهکار ذیل در لوح دینانت و سیاست نبوی قابل تصور است.

گزینه اول: موضع سلبی و سکوت:

حضرت نفیا و اثباتا درباره حاکم و خلیفه بعدی خود هیچ موضعی اتخاذ نکردند! و شخص یا شورایی را تعیین ننمایند! این راه را عقل و عقلا و حتی وجدان هر انسانی بر نمی‌تابد؛ چرا که وقتی آن حضرت با خون دل خوردن و مجاهدت‌های طاقت فرسا و تقدیم هزاران شهید و جانباز کشتی سعادت و نور را به ساحل نجات رسانده است؛ چگونه ممکن است که فکر و نگران برگشت و افتادن کشتی سعادت به گردآب‌ها و طوفان‌های سهمگین نیفتاده باشد! و برای آن چاره اندیشه نکرده باشد! چنان که خلیفه اول، خلیفه دوم را و خلیفه دوم شورای چهار نفره با ترکیب خاص را برای آینده سیاسی جامعه طراحی کردند. اصرار بر سکوت و موضع سلبی نبوی و مهر تایید بر آن مستلزم قول به خطای رفتار سیاسی شیخین را به دنبال خواهد داشت. یا بر عکس تایید سیره سیاسی شیخین – العیاذ بالله – موجب تخطئه سیره معصومانه نبوی را در عدم آینده نگری خواهد شد. این پارادوکسی است که مخالفان نظریه نصب نمی‌توانند از آن بگریزند.

گزینه دوم: سپردن امور به مردم در قالب شورا:

گزینه دوم این است که پیامبر(ص) دارای موضع ایجابی بوده است و برای دین و حاکمیت دینی فکر و راهکاری اندیشیده است و آن تعیین شورا یا نخبگانی یا بیعت برای اداره کشور است. این نظریه هر چند اشکالات نظریه‌پیشین را ندارد، اما خود آن دارای اشکالاتی است که اشاره می‌شود:

الف. چه بسا تعیین فرد در شورایی به دلیل اغراض و امیال اعضای

شورا چالش‌زا باشد و خود آتش اختلاف را شعله‌ور کند. ب. به دلیل عدم عصمت اعضای شورا ممکن است به جای ضوابط و ملاک‌های حقیقی روابط حاکم گردد، چنان‌که محصول شورای شش نفره منصوب خلیفه دوم چنین شد و با وجود علی(ع) شخص دیگری یعنی «عثمان» انتخاب شد. د. نکته سوم این که هیچ مدرک معتبر و غیر معتبری از وجود شورایی جهت تعیین امام و خلیفه توسط پیامبر خیر نمی‌دهد. پس گزینه سوم هیچ طرفداری از اهل سنت هم ندارد.

گزینه سوم: تعیین و نصب شخص اصلح:

گزینه سوم این است پیامبر(ص) با توجه با شناختی که از اصحاب خود داشته است مناسب‌ترین آنان از هر جهت و حیثی را برای اداره دو نهال نوپای اسلام و حکومت دینی نصب فرموده است. این نظریه مورد اختیار شیعه است که اینجا فقط به دو دلیل عقلی آن اشاره می‌شود.

۱. خطرات داخلی و خارجی صدر اسلام

وجود خطرات خارجی و داخلی مانند منافقان و ظهور پیامبران دروغین مانند مسیلمه کذاب برای حکومت اسلامی و از آن مهمتر خطر تحریف و بدعت برای آموزه‌های اسلام اقتضا می‌کرد که پیامبر(ص) امت خود را در برابر این همه خطرات و همه‌ها تنها و رها نگذارد و با توجه به علم لدنی که داشت بهترین گزینه برای تصدی مرجعیت علمی و دینی و نیز سیاسی کشور را در نظر و نصب نماید. به عبارت ساده، مردم یک روستایی که گله خود را بدون چوپان نمی‌گذارند، چگونه ممکن است پیامبری مانند حضرت محمد(ص) امت خویش را بدون جانشین رها کند!؟

۲. نصب عامل حفظ وحدت و جلوگیری از اختلافات قومی

جامعه‌ها و به شکل بارز امت‌ها از مناطق و قبایل، نژادها و زبان‌های مختلفی تشکیل شده است که هر کدام خواهان بدست گرفتن حکومت و یا حداقل سهمین شدن در آن به اندازه وزن و موقعیت خودشان می‌باشند. این تعدد و اختلاف موجب کشمکش، نزاع و چه بسا جنگ داخلی می‌گردد که چهره غلظت و خشونت‌آمیز آن در جوامع متقدم بیشتر نمایان بود، نمونه بارز آن جنگ دو قبیله معروف مدینه یعنی اوس و خزرج می‌باشد که تنها با رویکرد هر دو به اسلام شعله جنگ



اخلاق انتخاباتی!

آیت الله علی اکبر رشاد

هم کاندیداها، هم حامیان آنها و هم رای دهندگان به آنها باید بدانند هر کلمه‌ای که بر زبان می‌رانند و هر رای‌ی که می‌دهند، عواقب دارد. این عواقب ممکن است به چهار سال و هشت سال نیز ختم نشود بلکه می‌تواند همیشگی باشد در صورتی که اگر انتخاب درست باشد و فرد اصلح برگزیده شود، انبوهی از اجر الهی و آثار معنوی در او مترتب می‌شود.

انتخاب نادرست باعث می‌شود تا انبوهی از مضرات، خسارات و ویرانی‌ها مترتب بر آن شود و همه افراد دخیل در قبال این انتخاب مسئول هستند یعنی هم کسی که خود را بدون احراز صلاحیت در معرض انتخاب قرار می‌دهد و هم افرادی که بدون اطمینان عقلایی از او حمایت کرده باشند به خاطر آثار زیانبار آن تا قیام قیامت در پیشگاه خداوند جوابگو خواهند بود.

به کاندیداها توصیه می‌کنم اگر توان کار، روحیه کار دارید و حال کار دارید در صحنه بنامید، در غیر این صورت بهتر است به نفع افراد صالح کنار بکشید.



خاتمه پیدا کرد.

با رشد و نمو اسلام توسط پیامبر(ص) پیروان اسلام در مناطق و قبایل مختلف پراکنده و منتشر بودند، دو قطب قدرتمند مسلمانان یعنی مهاجران و انصار هر کدام به عنوان رقیب برای تصدی حکومت طرح و برنامه‌ای داشته و یا درصدد قبضه حکومت بعد از رحلت پیامبر اسلام(ص) بودند.

این نکته را جریان سقیفه تأیید می‌کند، با وجود عدم تدفین جنازه مبارک پیامبر اسلام(ص)، انصار بالفور در محلی به نام سقیفه جمع شده و برای خود شخصی به نام سعد بن عباده رهبر خود انتخاب نمودند که این طرح به گوش دیگران رسید و خود را شتاب‌زده به سقیفه رساندند و مدعی شدند که رهبری شما(انصار) را سران قریش نمی‌پذیرند، اما با این دلیل انصار به عقب‌نشینی از صحنه قدرت و سیاست حاضر شدند تا این که خلیفه اول به اصل نص نبوی متوسل شد که پیامبر(ص) فرموده که امامت و خلافت باید از قریش باشد، وی برای تکمیل نظر خود به انصار وعده وزارت داد. از این قطعه تاریخی روشن می‌شود که اصل نص مورد ادعای ابوبکر بود که شمله اختلاف و مناقشه را خاموش کرد.

حال این سؤال مطرح است که نص کلی در تعیین امام از قبیله قریش آیا خود مسأله و اختلاف‌ساز نخواهد بود؟ چراکه قبیله قریش خود بر هزاران فرد شامل است که ده‌ها فرد می‌تواند مدعی خلافت و امامت گردد.

اگر مصلحت اندیشی حضرت علی(ع) نبود، شیعیان آن حضرت خلافت دیگران را برنرفته و دامن اختلاف و جنگ اسلام را فرا گرفته و درخت نوپای حکومت اسلامی را تهدید می‌کرد. پس اصل نص خاص و عمل به آن می‌توانست بالندگی و شکوه اسلام را حفظ و از اختلاف و جنگ جلوگیری کند. این نکته مورد تأیید بعض فلاسفه نیز قرار گرفته است.

ادب رقابت در مردم‌سالاری دینی

محمد کاظم انبارلویی

معلوم نیست نامزد محترم با چه منطقی و با کدام توان و تجربه، گمان کرده می‌تواند چنین ستادی را مدیریت کند؟

ایشان از یک سو خیلی صریح بر قانونگرایی و عملیاتی کردن سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و قانون برنامه هفتم تأکید می‌کند و برای اثبات ادعای خود آیه قرآن و کلام امیر مؤمنان (ع) را شاهد می‌آورد، و از سوی دیگر، مشاوران و اعضای ستاد او که از ژنرالهای دولت اصلاحات و دولت اعتدال هستند چیز دیگری را فریاد می‌زنند.

مگر ایشان اطلاع ندارند که این مشاوران و اعضای ستادشان نه تنها در دولت‌های اصلاحات و اعتدال به سیاست‌های ابلاغی و برنامه پنج ساله و سندهای بالادستی وفادار نبوده‌اند بلکه در مقابل نظام، سه نبرد نرم دشمن در فتنه‌های ۷۸، ۸۸ و ۹۸ نمایندگی کرده‌اند. این رفتارها و سوابق سوء چه نسبتی با قانونگرایی و ولایت‌مداری مورد تأکید این کاندیدای محترم دارد؟

ایشان در هر فرصتی تکرار می‌کنند که باید به نظر کارشناسان و متخصصان احترام گذاشت و مملکت را بر اساس نظر آنان اداره کرد، این حرف درستی است.

اگر این سخن، اعتقاد قلبی ایشان باشد باید موضع خود را در قبال گزارش‌های رسمی و کارشناسی در مورد عملکرد دولت‌های اصلاحات و اعتدال بیان کنند، برای نمونه، در گزارش رسمی کارشناسان مالیه عمومی در دیوان محاسبات تفریق عملکرد نفت در بودجه سال ۸۳ دو خبر مهم از همه برجسته‌تر است.

۱- دولت آقای خاتمی ۶ میلیارد دلار از فروش نفت را به خزانه واریز نکرده است و همچنین فروش نفت در داخل را وفق تبصره ۳۸ قانون بودجه به خزانه واریز نکرده است.

۲- قرارداد ننگین کرسنت و فساد استاتوویل در این گزارش کارشناسانه، افشا و موارد تخلف دولت در آن تبیین شده است. این نامزد محترم که خود را ادامه دهنده دولت اصلاحات معرفی می‌کنند چه پاسخی به این گونه گزارش‌های کارشناسان می‌دهند؟ آیا گزارش رسمی کارشناسی را مینا قرار داده و این تخلفات بزرگ را محکوم می‌کنند، یا نظر کارشناسان را زیر پا می‌گذارند؟

این کاندیدای محترم، با این دوگانه‌ای که بین سخن و ستاد خود دارند، پدیده حیرت‌انگیز این انتخابات هستند که حتی هواداران جبهه اصلاحات در داخل و خارج را هم سرگردان کرده‌اند، چگونه می‌شود در سخن مدافع قانونمداری و در عمل حامی قانون‌گریزان بود؟

جای تعجب است که این کاندیدای قانون‌مدار و حامی فرهنگ تحمل و مدارا، به عنوان مشاور فرهنگی خود یک استاد قانون ستیز اخراجی بداخلاق و کم تحمل را که احتمالاً وزیر فرهنگ آینده است به میز گرد فرهنگی می‌آورد که در همان صحنه اول نه تنها روحیه کم‌تحملی و خشونت و بی‌فرهنگی خود را به نمایش می‌گذارد بلکه به نامزد مورد علاقه خودش هم بی‌حرمتی می‌کند. این مشاور بی‌فرهنگ انتخاب او است یا انتخاب ستاد؟ همراه بردن آقای ظریف به‌عنوان مشاور سیاست خارجی چه پیام و پیامدی دارد؟ آیا قرار است در دولت ایشان همان راهبرد شکست‌خورده اعتماد و التماس به آمریکا و شرطی کردن و متوقف کردن اقتصاد ایران که شاخصه اصلی دولت اعتدال بود برای هشت سال دیگر تکرار شود؟ اگر چنین است چرا این کاندیدای محترم می‌گوید من دنباله‌رو دولت اعتدال نیستم. قسم حضرت عباس را قبول کنیم یا دم خروس را؟ آیا در حالی که مجلس و نظام، صد در صد با رویکرد تکیه به آمریکا در سیاست خارجی مخالف است، معرفی امثال ظریف برای سیاست خارجی مقدمه کشمکش‌های پر خسارت داخل نظام و ایجاد حاکمیت دوگانه و طمع ورزی دشمن و از دست رفتن فرصت‌ها نخواهد بود؟

تعمیت از رهبری که در سخن این کاندیدای محترم تکرار می‌شود مصداق‌های روشنی دارد که یکی از آشکارترین آنها بی‌اعتمادی به آمریکا است، در حالی که راهبرد کلان و عملکرد بلند مدت آقای ظریف در سیاست خارجی، اعتماد به آمریکا است.

چگونه می‌توان این دوگانگی بین سخن و عمل این کاندیدا را توضیح داد؟

ایشان در پاسخ به انتقادات و برای آنکه هیچ پاسخ منطقی ندارند، با صراحت می‌گویند من برای رأی آوردن، این افراد را در ستاد خود پذیرفته‌ام.

کاندیدایی که در انتخابات برای رأی آوردن، به براندازان و فتنه‌گران و فریب‌خوردگان از آمریکا و با دوستان آمریکا متوسل شود آیا پس از رئیس‌جمهور شدن برای حفظ هواداران همین مشی را ادامه خواهد داد؟ چرا به‌جای راه‌حل درست که استفاده از نیروهای خوشنام و خوش سابقه است، راه خلاف و راه همکاری با خلافکاران را پیش گرفته و مملکت را به سمت بحران سوق دهیم؟



آیا این کاندیدای محترم نباید از آقای ظریف بی‌پرسند، چرا در جمع هواداران و یک هفته قبل از برگزاری انتخابات، اعلان پیروزی زودهنگام کرده و هواداران را به جشن پیروزی در روز شنبه دعوت کرده است؟ آیا این اعلان پیروزی زودهنگام و این دعوت به جشن پیروزی درست مشابه همان اعلان پیروزی زود هنگام و دعوت به جشن پیروزی در فتنه ۸۸ نیست؟

چرا برای رأی مردم و انتخاب مردم و صندوق رأی احترام قائل نیستیم و به محض آنکه نظر سنجی‌ها، رأی‌نیابردن کاندیدای ما را پیش‌بینی می‌کنند، وارد فاز تحریک هواداران برای شورش و لگد زدن به صندوق رأی و آتش زدن به منافع ملی و امنیت ملی می‌شویم؟

کاندیدای محترم باید به مردم پاسخ دهند که این نوع رفتارها چه نسبتی با قانون‌گرایی مورد تأکید ایشان دارد.

این کاندیدای محترم باید در خود بنگرد و ببیند آیا قدرت و توان کنترل این ژنرال‌های قانون‌گریز را دارند و می‌توانند آنها را در مدار قانون قرار دهند یا آنها او را در جدول قانون‌گریزی قرار خواهند داد؟ در روزهای آینده پاسخ این سؤال روشن خواهد شد.

مردم عزیز می‌خواهند، خلوص، صداقت و یک‌رنگی شهید رئیسی و مواضع منسجم و هماهنگ ایشان را دیده‌اند و با حماسه بزرگ تشییع، مشی و مکتب شهید جمهور را امضا کرده‌اند از کاندیداها انتظار دارند در مناظره‌ها، میزگردها و ستادهای خود، همان خلوص و یک‌رنگی را داشته و ادب و آداب رقابت و اقتضانات مردم‌سالاری دینی را مراعات کنند تا برکات انتخابات که جشن ملی مردم ایران است روز افزون گردد.



عملیات مشترک مقاومت عراق و ارتش یمن

هدف قرار گرفتن ۵ کشتی در بندر حیفا و دریای مدیترانه در عملیات مشترک مقاومت عراق و ارتش یمن:
 • سخنگوی نیروهای مسلح یمن اعلام کرد که نیروهای مسلح این کشور با همکاری مقاومت اسلامی عراق در دو عملیات نظامی مشترک ۵ کشتی دشمن را در بنادر فلسطین اشغالی در دریای مدیترانه به این شرح هدف قرار دادند:
 • در اولین عملیات چهار کشتی در بندر حیفا شامل دو کشتی تانکر سیمان و دو کشتی دیگر که کشتی‌های باری عمومی متعلق به شرکت‌هایی بودند که تصمیم ممنوعیت ورود به بنادر فلسطین اشغالی را نقض کردند با تعدادی پهپاد انتحاری هدف قرار داد.
 • در عملیات دیگر، کشتی Shorthorn Express در دریای مدیترانه در مسیر حرکت به بندر حیفا با استفاده از تعدادی پهپاد مورد هدف قرار گرفت. هر دو عملیات با موفقیت به اهداف خود رسیدند و اصابت‌ها به لطف خدا دقیق و مستقیم بود.
 • سرتیپ یحیی سریع تاکید کرد که نیروهای مسلح یمن - به یاری خداوند متعال - تا پایان تجاوزات و برداشته شدن محاصره مردم فلسطین در نوار غزه، به عملیات نظامی مشترک خود با مقاومت اسلامی عراق در حمایت و پیروزی مردم فلسطین ادامه خواهند داد.

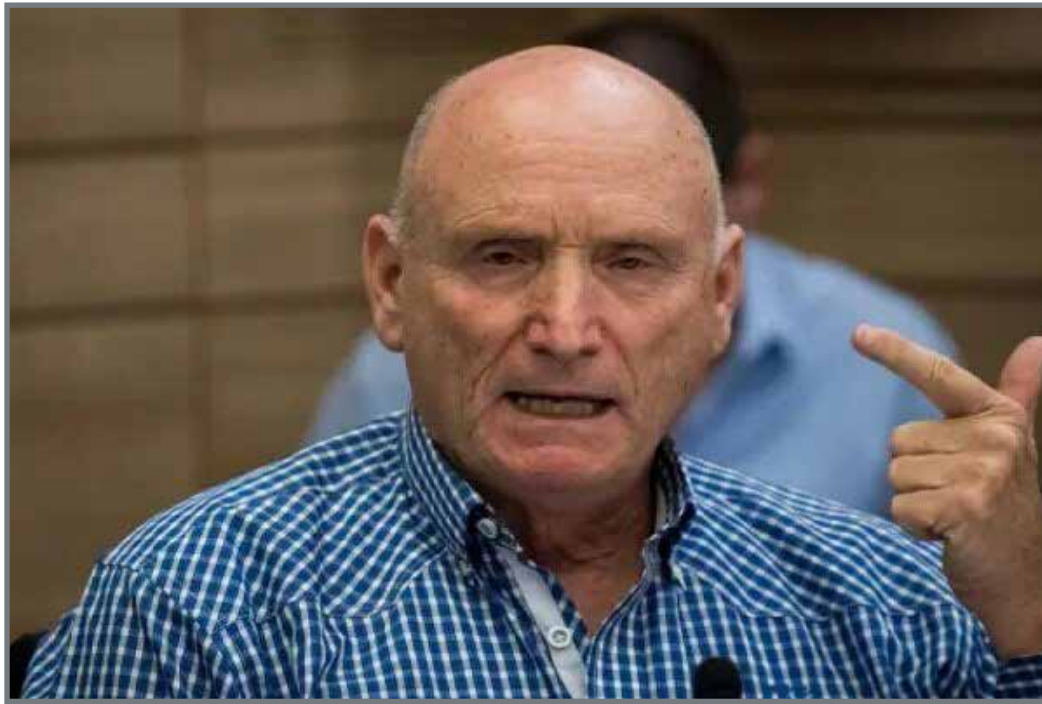
شیخ نشین‌های حاشیه خلیج فارس فیوزپراندند

از روز چهارشنبه به دلیل موج گرما قطعی برق گسترده به پدیده‌ای رایج در کشورهای عربی از جمله کویت تبدیل شده. جداول خاموشی ۶ ساعته هم در ۴۰ منطقه کویت به صورت رسمی اعلام شده.
 کاربران در فضای مجازی از قطعی برق در امارات، عربستان و قطر هم خبر دادند اما هیچ خبر رسمی از خاموشی روی درگاه خبرگزاری‌های این کشورها دیده نمی‌شود.
 همزمان با موج گرما در غرب آسیا، هفته گذشته اهواز و بوشهر با ثبت دمای ۵۱ و ۵۳ درجه گرم‌ترین مناطق پرجمعیت دنیا بودند اما توانیر گفته شبکه برق ایران در پایداری کامل است.

سرکرده القاعده در سوریه مسموم شد

منابع میدانی از تلاش‌ها برای مسموم کردن سرکرده گروه تروریستی «جبهه النصره» / القاعده در ادلب خبر دادند. این منابع در به المیادین گفتند که الجولانی به دلیل برخی عوارض جانبی ناشی از مصرف این ماده سمی در بستر و تحت مراقبت است. این منابع گفتند الجولانی بیمار است اما این مساله مخفی نگه داشته شده است و مشخص شد در نوشیدنی او در جریان سفرش به ادلب ماده سمی ریخته شده است.
 به گفته این منابع، سرویس امنیتی وابسته به الجولانی تحقیقات گسترده‌ای را با صاحبان پایگاه‌هایی که در این سفرش از آنها بازدید کرده و مسموم شده، شروع کرده است. به گفته آنها، یکی از فرماندهان شورشیان «ارتش آزاد» متهم به مسموم کردن الجولانی است چرا که وی به خانه‌اش رفته بود تا مانع از مشارکت گروه وابسته به این فرمانده در خیزش علیه خودش شود.
 تظاهرات علیه هیئت جبهه النصره و سرکرده آن، الجولانی در مناطق ادلب، حومه آن و حومه غربی حلب ادامه دارد و معترضان خواستار سرنگونی سرکرده این گروهک تروریستی هستند. جولانی که فکر پس از این اعتراضات برای آنکه نشان دهد چهره‌ای مردمی است حضورش در ملا عام را بیشتر کرده بود که همین مساله کار دستش داد. یخش امنیتی القاعده دنبال مکان‌هایی هستند که الجولانی ایستاده و نوشیدنی از دست مردم گرفته است.
 در فوریه گذشته، الجولانی یک کمپین دستگیری را آغاز کرد که صدها تن از رهبران هیئت را به اتهام تدارک کودتا علیه خودش هدف قرار داد. این مساله به تظاهرات در مناطق تحت کنترل هیئت جبهه النصره در ادلب منجر شد و نیروهای امنیتی وابسته به جولانی معترضان را سرکوب، بازداشت و ترور کردند که معروف‌ترین آن‌ها مسوول شرعی این گروهک بنام ایوماریا القحطانی بود که توسط جولانی در یک مهمانی مسموم شد.

جنگ بالبنان به منزله خودکشی اسرائیل است



شبکه ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی به نقل از اسحاق بریک ژنرال ارشد بازنشسته ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد که جنگ در دو جبهه لبنان و نوار غزه ضد رژیم صهیونیستی کاملاً با یکدیگر مرتبط بوده و امکان جداسازی آن از هم وجود ندارد. بریک تصریح کرد که اعلام جنگ تل آویو علیه لبنان به معنی خودکشی جمعی در سرزمین‌های اشغالی به فرماندهی نتانیاهاو، گالاتن و هالوی بوده و تبعات جنگ علیه لبنان به مراتب خطرناک‌تر است.
 وی در این گفت‌وگو با تاکید بر اینکه امکان جداسازی دو جبهه غزه و لبنان وجود ندارد، خاطر نشان کرد که حزب‌الله موشک و پهپادهای خود را به سمت سرزمین‌های اشغالی شلیک می‌کند که تل آویو امکان رصد و رهگیری آنها را از طریق هواپیماها و گنبد آهنین خود ندارد. سران تل آویو فراموش کرده اند که بیش از ۱۰۰ هزار نفر در شمال سرزمین‌های اشغالی آواره هستند.
 کوبی مرمو سرهنگ نیروهای ذخیره رژیم صهیونیستی نیز گزارش داد که حزب الله افزایش تنش و چارچوب آن را به تل آویو تحمیل می‌کند، در حالی که ارتش باید ابتکار عمل را در شمال در اختیار بگیرد.
 بریک همچنین ضمن تشریح سناریوی خود در خصوص جنگ احتمالی با لبنان تصریح کرد که فرض کنیم که ارتش با ۳

لشکر وارد لبنان شود و به سمت رود لیتانی برود، در این لحظه شرایط دیگر مانند قبل نخواهد بود و جنگ منطقه‌ای فراگیر آغاز می‌شود. ارتش تل آویو در ابعاد لجستیک با مشکلات عمده‌ای مواجه است و حتی اگر قدرت مقاومت در این منطقه را داشته باشد، قدرت جابجایی نیروها را ندارد.
 وی پیش‌بینی کرد که شلیک موشک‌های حزب الله به مناطق مسکونی در تل آویو و گوش دان و حیفا و دیگر زیرساخت‌های سرزمین‌های اشغالی نظیر تاسیسات برقی و آبی، باعث تخریب تمامی سرزمین‌های اشغالی شود.
 بریک خواستار توقف جنگ در غزه شد و گفت که هر روز که جنگ ادامه پیدا می‌کند، برای تل آویو روز بدی است، جنگ غزه برای ارتش و اقتصاد و جامعه و روابط تل آویو با دنیا خسارت‌بار است و ارتش نمی‌تواند حماس را از بین ببرد.
 ایلان لوتان افسر ارشد سابق سازمان جاسوسی شاپاک نیز ضمن تشریح اوضاع شمال سرزمین‌های اشغالی گفت که شهرک‌های شمال فاقد سکنه شده و المظله ویران شده و کربات شومونه و المناره نیز همین وضعیت را دارد.
 وی افزود: اسرائیل با گذشت ۹ ماه از آغاز جنگ ضد حزب الله چه می‌خواهد؟ آیا می‌خواهد این شرایط دو سال ادامه پیدا کند یا اوضاع تغییر خواهد کرد؟

دست فرانسه از معدن اورانیوم نیجر کوتاه شد

پس از انقلاب در ژوئیه ۲۰۲۳ در نیجر که به برکناری رئیس‌جمهور وابسته به غرب این کشور منجر شد، حکومت انقلابی در نیامی تصمیم گرفت تا مجوز بهره‌برداری شرکت «اورانو» فرانسه برای استخراج اورانیوم را لغو کند که با استقبال مردم نیجر و نگرانی و وحشت سران الیزه مواجه شد. این تصمیم در شرایط پیچیده تنش بین پاریس و نیامی در حالی رخ می‌دهد که نیجر ۱۵ درصد اورانیوم هسته‌ای فرانسه را تامین می‌کند.

شرکت اورانو که ۵۰ سال است در نیجر فعالیت می‌کند پس از این تصمیم در بیانیه‌ای اعلام کرد: علیرغم ازسرگیری فعالیت‌ها در سایت مطابق با انتظاراتی که از پیش تعیین شده بود، اورانو به تصمیم مقامات نیجر برای پس گرفتن مجوز برای بهره‌برداری از این سایت توجه می‌کند. معدن «ایمورارن» در شمال نیجر، با ۲۰۰ هزار تن ذخایر، یکی از بزرگترین ذخایر اورانیوم جهان محسوب می‌شود.

در ۱۱ ژوئن، نیامی به گروه اورانو برای پس گرفتن مجوز فعالیت اطلاع داده بود. وزارت معادن نیجر گفته بود فعالیت اورانو انتظارات مقامات را برآورده نمی‌کند. نیجر، کشوری با ۲۶ میلیون نفر جمعیت، هفتمین تامین‌کننده بزرگ اورانیوم در جهان است که برای تولید سلاح و انرژی هسته‌ای استفاده می‌شود. در سال ۲۰۲۲، این کشور بیش از یک چهارم اورانیوم مورد استفاده در اتحادیه اروپا را تامین کرده است.

قبل از انقلاب سال گذشته، نیجر شریک اصلی اقتصادی و امنیتی غرب در منطقه ساحل بود. حکومت جدید در نیجر چندی پیش دستور خروج نیروهای فرانسوی و اخیراً آمریکایی را صادر کرد تا به این ترتیب به حضور طولانی‌مدت و ویرانگر استعمار فرانسه پایان دهد.

آیا آمریکا در جنگ لبنان از تل آویو حمایت می‌کند؟

عبدالباری عطوان



به نقل از پایگاه خبری رای الیوم، عبدالباری عطوان تحلیلگر مسائل راهبردی منطقه در مقاله جدید خود نوشت: بنیامین نتانیاهاو و ژنرال‌های وی این روزها به صورت گسترده به دنبال راهکاری برای حفظ آبروی خود همزمان با پایان دادن به جنگ و خروج از غزه با کمترین خسارت‌های ممکن هستند. به همین علت است که در درز عمدی برخی اخبار مدعی تحقق برخی اهداف حمله به رفح شده و گفته اند که شاخه نظامی جنبش حماس را از بین برده‌اند! ادعای دیگری که صهیونیست‌ها این روزها به صورت گسترده مطرح می‌کنند، قطعی بودن عقب نشینی قریب الوقوع از نوار غزه برای تمرکز بر جبهه شمالی است تا بتوانند خطر حزب الله لبنان و تهدیدات روزافزون آن را مهار کنند.

وی افزود: جنبش حماس بیش از هر زمان دیگری قوی‌تر شده و کنترل نظامی بیشتر مناطق غزه را در اختیار دارد و موفق شده با پیگیری جنگ چریکی در چارچوب استراتژی جدید خود، تعداد زیادی از نظامیان صهیونیست را کشته و زخمی کند.
 پرفسور رابرت پیپ سیاستمدار آمریکایی و کارشناس مسائل داخلی و امنیتی معتقد است که یکی از بزرگترین اشتباهات نتانیاهاو و ژنرال‌های همراه وی شکست تاکتیکی یا تحمیل محدودیت‌های سیاسی و اخلاقی برای نیروی نظامی خود نبود، بلکه بزرگترین شکست آنها ناتوانی در شناخت حماس بود. وی می‌افزاید که تل آویو معتقد است ۱۴ هزار نفر از مجموع ۴۰ هزار نیروی نظامی حماس به شهادت رسیده‌اند، در حالی که حماس تعداد این افراد را ۶ هزار نفر

برآورد کرده است و سرویس جاسوسی آمریکایی این تعداد را ۱۰ هزار نفر برشمرده است. البته نکته مهم اینجاست که میزان کشته شده‌ها، نشان دهنده مقایسه قدرت یا ضعف حماس نیست؛ بلکه آنچه در این راستا مهم است، ادامه سلطه نظامی حماس در نوار غزه و در اختیار داشتن حمایت گسترده مردمی است. علاوه بر اینکه ۸۰ درصد از شبکه تونل‌های حماس همچنان قابل استفاده است.
 عطوان تاکید کرد: چیزی که پرفسور پیپ و دیگر کارشناسان سیاسی و نظامی به آن نپرداخته‌اند، این است که ده‌ها هزار عنصر داوطلب بعد از آغاز جنگ در کرانه باختری یا نوار غزه به عناصر مقاومت پیوسته و به صورت محرمانه آموزش‌های استفاده از سلاح را در مراکز آموزشی زیرزمینی یا آشکار غزه دیده اند. بیشتر آنها جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله هستند که این نشان می‌دهد آمار مربوط به نیروهای حماس باید مورد بازنگری قرار گیرد. نکته قابل توجه دیگر اینکه نسل کشی رژیم صهیونیستی در غزه نه تنها باعث افزایش سخت‌گیری‌های جنبش حماس و مراکز آن ضد رژیم صهیونیستی می‌شود، بلکه باعث بروز گروه‌های متعصب‌تر در تقابل با دشمن صهیونیستی در نوار غزه یا کرانه باختری می‌شود که در انتقام شهدای کودک و زنان و مردان آنها که بالغ بر ۲۸ هزار نفر است، وارد عمل می‌شوند.

وی افزود: ادعاهایی که برخی سخنگویان دولت آمریکا در خصوص حمایت این کشور از اشغالگران در صورت بروز جنگ در لبنان مطرح می‌کنند، تلاشی ناامیدانه برای اطمینان بخشیدن به افکار عمومی فروپاشیده رژیم صهیونیستی به ویژه در

شهرک‌های شمالی سرزمین‌های اشغالی است، این در حالی است که آنها در پشت پرده فشار زیادی بر نتانیاهاو و ژنرال‌های آن وارد می‌کنند تا به سمت جنگ در جبهه شمالی با حزب الله کشیده نشوند. این موضوع را اسحاق بریک ژنرال بازنشسته ارتش تل آویو به صورت دقیق در اظهارات خود مطرح کرده و گفت که جنگ در لبنان به معنی خودکشی جمعی در اسرائیل به فرماندهی نتانیاهاو، گالاتن و هالوی است.
 عطوان در پایان نوشت: تا زمانی که سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان و فرماندهان حزب الله جنگ فرسایشی در جبهه شمال را دنبال می‌کنند و یحیی سنوار و محمد ضیف و همکاران وی در جبهه جنوبی مشغول مبارزه با دشمن صهیونیستی

هستند، تل آویو نه تنها با سرعت بالا به سمت شکست حرکت می‌کند، بلکه به شدت به سمت فروپاشی موجودیتی پیش می‌رود. آنها جنگ در عرصه‌های میدانی را باخته‌اند، همانطور که جنگ روانی را نیز باخته و در تمام دنیا منفور شده‌اند. نفرت از صهیونیست‌ها بعد از استفاده از ابزار گرسنگی و قحطی در غزه به عنوان یک سلاح بیش از پیش شده و کودکان غزه در نتیجه گرسنگی جان خود را از دست می‌دهند. جبهه جنوب لبنان و جنگ نیروهای یمنی در دریای سرخ و موشک‌های مقاومت عراق همگی دست در دست غزه و عناصر مجاهد آن یک جبهه واحد را تشکیل داده‌اند که معادلات و قواعد درگیری‌ها را نه تنها در منطقه، بلکه در تمام جهان تغییر می‌دهد



تامین مالی شرکت‌ها از بورس آمریکا چگونه انجام می‌شود؟

وحید بلالی

در ایالات متحده آمریکا، بازار سرمایه از عرضه کنندگان و استفاده کنندگان وجوه در دو بازار اولیه و ثانویه تشکیل شده است. وارد شدن به بازار ثانویه برای شرکت‌ها ویژگی تامین مالی جدیدی را ایجاد می‌کند که به محض ورود شرکت به بازار ثانویه، می‌تواند با افزایش تعداد سهام در بازار اولیه تامین مالی را انجام دهد و هزینه تامین مالی را در بازار ثانویه تامین کند.

بازار سرمایه بستری برای ارتباط سرمایه‌گذارها (تامین کنندگان) با سرمایه‌پذیران است. تامین کنندگان، افراد یا مؤسساتی هستند که سرمایه‌ای برای وام دادن یا سرمایه گذاری دارند و معمولاً شامل بانک‌ها، هلدینگ‌ها، مؤسسات تامین مالی، سرمایه‌گذاران و... می‌شوند. مشاغل، دولت و افراد به دنبال سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در این بازار هستند. بازار سرمایه از بازارهای اولیه و ثانویه تشکیل شده است. رایج‌ترین بازارهای سرمایه، بازار سهام و بازار اوراق قرضه هستند. این بازارها به دنبال بهبود کارایی معاملات با گردآوری تامین کنندگان و اشخاص سرمایه‌پذیر با فراهم کردن مکانی برای

مبادله اوراق بهادار هستند.

شناخت بازار سرمایه آمریکا

بازار سرمایه یک فضای گسترده است که در آن نهادهای مختلف از انواع مختلف ابزارهای مالی استفاده می‌کنند. این بستر، ممکن است شامل بازار سهام، بازار اوراق قرضه و بازار جفت ارز (فارکس) باشد. بیشتر بازارها در مراکز مالی بزرگ مانند نیویورک، لندن، سنگاپور و هنگ کنگ متمرکز شده‌اند. در ایالات متحده آمریکا، بازارهای سرمایه از عرضه کنندگان و

استفاده کنندگان وجوه تشکیل شده است. تامین کنندگان شامل خانوارها (از طریق حساب‌های پس‌اندازی که نزد بانک‌ها دارند) و همچنین مؤسساتی مانند صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های بیمه عمر، بنیادهای خیریه و شرکت‌های غیرمالی هستند که تولید ثروت می‌کنند. استفاده کنندگان از وجوه توزیع شده در بازارهای سرمایه شامل خریداران وسایل نقلیه خانگی و موتوری، شرکت‌های غیرمالی و دولت‌های تامین کننده سرمایه گذاری زیرساخت‌ها و هزینه‌های عملیاتی هستند.

بازارهای سرمایه عمدتاً برای فروش محصولات مالی مانند سهام و اوراق بدهی (IOU) استفاده می‌شوند. سهام (سهام‌ها) مالکیت یک شرکت هستند. اوراق بدهی، مانند اوراق قرضه، IOU های بهره دار هستند. در بازار سرمایه آمریکای هنگامی که یک شرکت سهام یا اوراق قرضه جدید را برای اولین بار به صورت عمومی می‌فروشد، مانند عرضه اولیه عمومی (IPO)، این کار را در بازار سرمایه اولیه انجام می‌دهد. این بازار را گاهی بازار مسائل جدید نیز می‌نامند.

هنگامی که سرمایه‌گذاران اوراق بهادار را در بازار سرمایه اولیه خریداری می‌کنند، شرکتی که اوراق بهادار را ارائه می‌دهد، یک شرکت پذیرنده نویسی را استخدام می‌کند تا آن را بررسی کند و دفترچه‌ای ایجاد کند که در آن قیمت و سایر جزئیات اوراق بهادار منتشر شود.

بازار ثانویه و تامین مالی در بورس آمریکا

بازار اولیه به بازاری اطلاق می‌شود که اوراق سهام بهادار در آن ایجاد می‌شود، در حالی که بازار ثانویه بازاری است که در آن بین سرمایه‌گذاران معامله انجام می‌شود.

بازار اولیه جایی است که اوراق بهادار ایجاد می‌شود. در این بازار است که شرکت‌ها برای اولین بار سهام و اوراق قرضه جدید را به عموم می‌فروشند. عرضه اولیه عمومی یا IPO نمونه‌ای از بازار اولیه است. این معاملات فرصتی را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند تا از بانکی که پذیرنده نویسی اولیه را برای یک سهام خاص انجام داده است، اوراق بهادار بخرند. IPO زمانی اتفاق می‌افتد که یک شرکت خصوصی برای اولین بار سهام را برای عموم منتشر کند.

این اولین فرصتی است که سرمایه‌گذاران برای مشارکت سرمایه در یک شرکت از طریق خرید سهام آن دارند. سرمایه یک شرکت شامل وجوهی است که از فروش سهام در بازار اولیه ایجاد می‌شود.

وارد شدن به بازار ثانویه برای شرکت‌ها ویژگی تامین مالی جدیدی را ایجاد می‌کند و به محض ورود شرکت به بازار ثانویه، می‌تواند با افزایش تعداد سهام در بازار اولیه تامین مالی را انجام دهد و هزینه تامین مالی را در بازار ثانویه تامین کند.

انواع دیگر عرضه‌های بازار اولیه برای سهام شامل قرار دادن خصوصی

و تخصیص ترجیحی است. قرار دادن خصوصی به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا مستقیماً سهام را به سرمایه‌گذاران مهم‌تری مانند صندوق‌های تامینی و بانک‌ها بفروشند بدون اینکه آن را در دسترس عموم قرار دهند. در حالی که تخصیص ترجیحی سهام را به سرمایه‌گذاران منتخب (معمولاً صندوق‌های پوشش ریسک، بانک‌ها و صندوق‌های مشترک) با قیمت ویژه‌ای که در دسترس عموم نیست، ارائه می‌دهد.

به عنوان مثال مشاغلی که می‌خواهند از طریق اوراق بدهی تامین مالی کنند، می‌توانند اوراق قرضه کوتاه مدت و بلندمدت جدید را در بازار اولیه منتشر کنند. اوراق قرضه جدید با نرخ ثابت صادر می‌شود که مطابق با نرخ بهره در زمان انتشار است که ممکن است بالاتر یا کمتر از اوراق قرضه قبلی باشد.

نکته مهم در مورد بازار اولیه این است که اوراق بهادار مستقیماً از یک ناشر خریداری می‌شود. بازار ثانویه دو دسته متفاوت دارد: بازارهای حراج و بازارهای سفته بازی یا نوسان گیری. سرمایه جدید از طریق سهام و اوراق قرضه‌ای که در بازار سرمایه اولیه منتشر و به سرمایه‌گذاران فروخته می‌شود، تامین می‌شود؛ در حالی که معامله‌گران و سرمایه‌گذاران متعاقباً آن اوراق را در بازار سرمایه ثانویه بین یکدیگر خریداری می‌کنند و می‌فروشند. شرکت‌هایی که سرمایه خود را افزایش می‌دهند می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری خطرپذیر یا با ریسک معین به دنبال جذب افراد حقیقی برای تامین مالی باشند. زمانی که سهام برای اولین بار به صورت عمومی در بازار سهام عرضه می‌شود، می‌تواند بیشترین مبلغ را از طریق عرضه اولیه عمومی به دست آورد.

ویژگی تعیین کننده بازار ثانویه این است که سرمایه‌گذاران بین خود معامله می‌کنند. یعنی در بازار ثانویه، سرمایه‌گذاران اوراق بهادار منتشر شده قبلی را بدون دخالت شرکت‌های ناشر معامله می‌کنند.

به عنوان مثال، اگر سهام شرکت آمازون (AMZN) خریداری شود فقط با سرمایه گذار دیگری که سهام آمازون را در اختیار دارد ارتباط برقرار می‌شود و شرکت آمازون مستقیماً با این تراکنش درگیر نیست.

در بازارهای بدهی، در حالی که اوراق قرضه تضمین می‌شود که ارزش اسمی کامل را در سررسید به صاحب خود بپردازد، این تاریخ اغلب سال‌ها بعد است. در عوض، دارندگان اوراق قرضه می‌توانند اوراق قرضه را در بازار ثانویه با سود خالص بفروشند.

پویایی بازار سرمایه و تامین مالی

بین پویایی و رشد بازار سرمایه و تامین مالی ارتباط مستقیمی وجود دارد به هر میزان که پویایی و سرمایه در گردش بازار سرمایه بیشتر باشد به همان میزان تامین مالی بیشتر خواهد شد. (مسیر اقتصاد)



طرح شرکت ملی دکل روستایی

ابوالقاسم رجبی

پرهزینه‌ترین بخش توسعه دسترسی به شبکه مخابراتی و تلوزیونی نصب و راه اندازی و نگهداری از دکل‌های ارتباطی است. یک روند جاری در جهان اینست که شرکت‌های مخابراتی قسمت دکل‌های خودشان را در هماهنگی با رقبا از خودشان تفکیک می‌کنند و به یک شرکت حقوقی جدا تبدیل می‌کنند و از خدمات آن استفاده می‌کنند. مثلاً در مناطق روستایی ایران ممکن است شصت و پنج درصد دکل‌ها متعلق به همراه اول باشد و ایرانسل، ۱۹ و صدا و سیما ۱۰ درصد و رایتل یک درصد دکل‌ها و تاسیسات دکل را در اختیار داشته باشند، این نهادها همه به نسبت سهم خودشان از دکل‌ها سهامدار شرکت واحد دکل روستایی می‌شوند و نیروی نگهداری و توسعه خودشان را به شرکت واحد دکل خواهند سپرد. شرکت دکل روستایی و جاده‌های کشور از اعتبارات خدمات اجباری و توسعه زیرساخت تلوزیون بهره خواهد برد و صدا و سیما و اپراتورها با پرداخت وجه مشتری خدمات شرکت دکل خواهند شد.

این کار می‌تواند هزینه ایجاد و بویژه نگهداری از تجهیزات را بسیار کاهش بدهد.

چین می‌خواهد به «خودکفایی مطلق» در غلات برسد



همچنین برنامه اضطراری ملی غلات تدوین خواهد شد. یک سیستم نظارت بر امنیت غذایی نیز جزو برنامه‌ها است. چین تعریف «غلات درشت‌دانه» را گسترش داد و با این کار سورگوم، جو، گندم سیاه، ماش و سیب زمینی، ارزن و جو دوسر نیز به این لیست اضافه شد. غلات به گندم، برنج، ذرت، سویا و درشت‌دانه‌ها اطلاق می‌شود.

جدی‌تر شدن چین در امنیت غذایی

اشخاص حقوقی که قانون را نقض کنند با جریمه‌ای از ۲۰ هزار تا ۲ میلیون یوان مواجه می‌شوند. برای اشخاص حقیقی این عدد از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار یوان خواهد بود. این قانون می‌گوید چین «همکاری بین‌المللی امنیت غذایی را تقویت خواهد کرد و به تجارت بین‌المللی غلات اجازه می‌دهد نقش خود را ایفا کند.» تحلیلگران گفتند که این قانون به صورت مبهم بیان شده است. به همین دلیل ممکن است تأثیر قابل توجهی بر افزایش تولید غذا توسط چین نداشته باشد. حتی پی، تحلیلگر کشاورزی در شرکت مشاوره Trivium China مستقر در پکن، گفت: این قانون، واقعیت‌ها را برای مقامات محلی که قبلاً تحت فشار قابل توجهی برای ارائه امنیت غذایی بودند، تغییر نمی‌دهد.

او افزود: «قانون امنیت غذایی رویه‌های موجود را در قانون تثبیت می‌کند، اما قرار نیست چیزی را تغییر دهد. امنیت غذایی از قبل جزو اولویت‌های ملی بود و نمی‌تواند بالاتر از این باشد.» (منبع: رویترز)

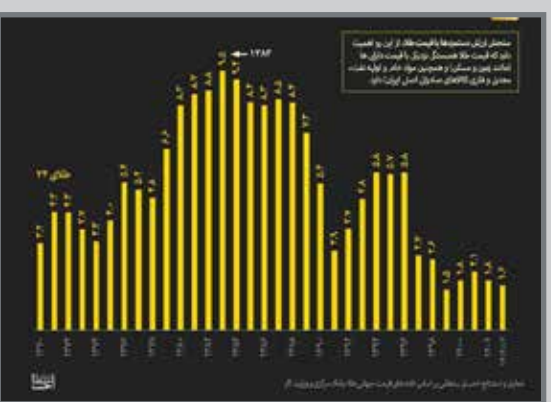
پس از شش ماه از اولین قرائت قانون امنیت غذایی چین، این قانون تصویب و اجرایی شد. بر این اساس، هدف چین رسیدن به خودکفایی مطلق در قوت غالب مردم است و به معنی قطع تجارت جهانی غلات توسط چین نیست. جلوگیری از تغییر کاربری اراضی زراعی و استفاده از فناوری در کشاورزی از جمله اقدامات مورد نظر چینی‌ها است. اولین قانون امنیت غذایی چین با هدف دستیابی به «خودکفایی مطلق» در غلات اجرایی شد. چین بزرگترین واردکننده محصولات کشاورزی جهان است. این کشور سعی دارد وابستگی خود را کاهش دهد. با این اقدام، چارچوب قانونی برای راهنمایی‌های موجود توسط حزب کمونیست ایجاد شده است. راهنمایی‌های مذکور حزب برای دولت‌های محلی و صنعت کشاورزی جهت افزایش تولید مواد غذایی بود. البته هنوز جزئیات نحوه اجرای این قانون ارائه نشده است.

برنامه‌ای همه جانبه برای خودکفایی کشاورزی

این قانون از تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی جلوگیری می‌کند. همچنین حفاظت از منابع ژرمپلاسم و جلوگیری از هدررفت نیز جزو اهداف آن است. تصویب قانون امنیت غذایی، تنها شش ماه پس از اولین قرائت آن، تصویب شد. این موضوع بیانگر فوریت چین برای حل مسائل است.

مشکلات متعددی مانند کمبود زمین قابل کشت، منابع آب، کمبود نیروی کار و کمبود فناوری کشاورزی تولید را محدود کرده است. این قانون دولت‌های مرکزی و استانی را برای گنجاندن امنیت غذایی در برنامه‌های اقتصادی و توسعه مسئول می‌داند. این گونه تضمین می‌شود که تامین غذا در اولویت اصلی چین است. کشوری که تاریخ درندگی از قحطی‌ها دارد.

حزب کمونیست چین اجرای استراتژی امنیت غذایی ملی این کشور را در اولویت قرار می‌دهد. بر اساس یکی از ماده‌ها، واردات کالاهای واسطه‌ای و استفاده از پیشرفت‌های علم و فناوری برای تقویت تولید، جزو برنامه‌ها است. در این قانون آمده است: باید به ذخیره غلات پایبند بود و فناوری را برای افزایش تولید به کار برد. باید به خودکفایی نسبی در غلات و خودکفایی کامل در قوت غالب مردم رسید.



حداقل دستمزدها ماهانه نیروی کار ایران براساس قدرت خرید طلا

حداقل دستمزد ماهانه نیروی کار معادل ۱۶ گرم طلا در خرداد ماه ۱۴۰۳ است، که کمترین میزان تاریخی آن (پس از سال ۱۳۹۷) است. شوکهای قیمت ارز و کاهش ارز دلار موجب سقوط ارزش دستمزد نیروی کار از سال ۱۳۹۷ شده است.

سنجش ارزش دستمزدها با قیمت طلا، از این رو اهمیت دارد که قیمت طلا همبستگی نزدیکی با قیمت دارایی‌ها (مانند زمین و مسکن) و همچنین مواد خام و اولیه نفت، معدنی و فلزی (کالاهای صادراتی اصلی ایران) دارد. آیا کاندیداهای ریاست جمهوری برنامه‌ای برای ترمیم دستمزد نیروی کار دارند؟؟؟



ریال دیجیتال رونمایی شد

در جلسه‌ای با حضور رئیس کل بانک مرکزی، اعضای هیئت عامل این بانک و مدیران عامل بانک‌ها ریال دیجیتال رونمایی شد.

در آثار داستانی فلسطینی رنج، موج می‌زند

محمد رضا سنگری - فرامرزمیرزایی - انسیه سادات هاشمی

نشست علمی «واکاوی رمان‌های ترجمه‌شده فلسطینی، با تمرکز بر رمان بازگشت به حیفا» توسط گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با همکاری اندیشکده ادبیات پایداری با حضور دکتر محمد رضا سنگری، دکتر فرامرزمیرزایی و دکتر انسیه سادات هاشمی دیروز (۳ تیرماه ۱۴۰۳) برگزار شد.

دکتر محمد رضا سنگری در این نشست گفت: در دنیای امروز اقبال عرب‌زبانان از شعر به سمت رمان گرایش داشته است. شعر می‌تواند تصاویر و ابعاد را برای تخیل فراهم کند، اما به روانی زبان روایت نیست. از سوی دیگر روایت با غافلگیری و آشنایی‌زدایی وارد عمل می‌شود و لذا رسانه غالب بهتر است رمان باشد و نه شعر. ادبیات مقاومت عرب مملو از نمادهاست مثلاً گنجشک، پرتقال، سایه، زن، کودک، کلید، مریم، زیتون و... قابل ذکر هستند؛ حتی در کتاب بازگشت از حیفا هم شخصیت‌ها نام‌های هستند و سعید کنشگر است و صفیه کنشگر و این دو بعد از ۲۰ سال بازمی‌گردند و خود عدد ۲۰ در اینجا نمادین است. نماد استعاره فشرده است. امروزه جوانان فلسطینی به سکوت جهان عرب علیه جنایات اسرائیل معترض‌اند و این اعتراض در ادبیات معاصر فلسطین و رمان این کشور محسوس است. فلسطین آزمون وجدان همه روزه جهان است. در نقطه مقابل در قالب‌های مینی‌مال شاهد آنیم که که نویسندگان فلسطینی از اینکه ایران حامی فلسطین است، شکرگزارند. در همین رمان بازگشت به حیفا شخصیت صفیه به دیگران می‌گوید وطن گذشته نیست، آینده است، وطن ساختن است.

وی در بخش دیگری از این نشست افزود: اینکه بسیاری از آثار غسان کفانی به فارسی ترجمه شده است نشان می‌دهد که روح مخاطب ایرانی با آثار او سازگاری دارد و مترجمان زیادی آثار او را ترجمه کرده‌اند. او فقط ۳۶ سال داشته که ترور می‌شود و یک نویسنده بسیار پر کار بود که کابوس اسرائیل شده بود. در مورد او گفته‌اند که کفانی سرزمینش را با خود دندان گرفته بود و از اینجا به آنجا می‌برد. وجه اشتراک جامعه ادبی ما و فلسطین این است که موج بزرگی از نویسندگان زن رمان‌نویس به وجود آمده است؛ مثلاً خانم سوزان ابوالهوی در این زمینه قابل ذکر است که کتاب صبح در جنین از اوست. بد نیست در نقطه مقابل موضوع این نشست، موضوع واکاوی رمان‌های اسرائیلی و عبری را نیز با رویکرد ادبیات نقطه مقابل در دستور نشست دیگری قرار داد. ۵۲ سال از ترور کفانی می‌گذرد اما وقتی آثار او را می‌خوانیم احساس می‌کنیم او با ما است. در بازگشت از حیفا، صفیه به سعید می‌گوید بیا برگردیم و از کودکی که در دامان اسرائیلی‌ها رشد کرده‌ام امید می‌شود، او می‌گوید این فرزند هویتش را باخته است و تنها سلاح است که برای ما رهایی می‌آورد.

دکتر فرامرزمیرزایی (عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس) نیز در این نشست گفت: ذکریات و خاطرات در جهان عرب بعد از رمان یکی از قالب‌های پر مخاطب است. زندگی من با رمان است؛ رمان عرب در یکی دو دهه اخیر در عراق رشد محسوسی داشته است و می‌توان به دوران ادبیات اولیه در این کشور (۱۹۲۰-۱۹۴۸ میلادی) اشاره کرد. بعد به دوران ملی‌گرایی و میهن‌پرستی می‌رسیم (۱۹۴۷-۱۹۶۷) و سپس به دوران دهه شکست می‌رسیم (۱۹۷۰-۱۹۸۲) در همین

مقطع فلسطینی‌ها از اردن اخراج می‌شوند و بعد از آن از لبنان هم بیرون رانده می‌شوند. حتی در این شرایط برخی از شعرای فلسطینی خودکشی می‌کنند. بعد از تصویب تشکیل دو کشور جدای فلسطین و اسرائیل، جریان داستان فلسطین وارد مرحله جدیدی می‌شود و حوادث آن تند تند تکرار می‌شود. از همین مقطع است که حماس بازیگری مهم می‌شود و سازمان آزادی‌بخش فلسطین را کنار می‌زند. جلوتر که می‌آییم داعش شکل می‌گیرد و جالب اینجاست که حماس در برابر

داعش می‌ایستد نکته مهم زبانی کردن این حوادث به زبان روایت در دل داستان است. باید به گفتمان داستانی اندیشید. از این سالها به بعد ما دیگر نگاه کهن و سنتی داستانی را نداریم و این سوال مهم در ذهن مخاطب نقش می‌گیرد که حقیقت کجاست؛ البته حقیقت در داخل روایت است و البته آنی نیست که رخ می‌دهد! حقیقت مهم است که چگونه منتقل می‌شود و چگونه از حادثه به زبان می‌آید. در اینجا ۲ روایت مهم وجود دارد: روایت خواننده و روایت راوی. در آثار داستانی فلسطینی، رنج، موج می‌زند؛ شخصیت‌ها گل می‌خرند، اما ناراحت‌اند، رنجی قدیمی در سینه دارند، کار می‌کنند اما رنج را به تصویر می‌کشند، عروسی می‌گیرند، اما باز هم رنجی عمیق را روایت می‌کنند و ... حتی شخصیت فلسطینی از قدم‌زدن در خیابان احساس رنج دارد. این روایت رنج همراه با نشان‌دادن تجربه‌های ارزشمند بشری است. در این ما از رنج بزرگی که ویرانگر است و تا عمق جان نفوذ کرده صحبت می‌کنیم، رنجی که به این زودی‌ها از حافظه بشریت نباید پاک شود.

این استاد دانشگاه افزود: فرماندهان فلسطینی زیادی خاطرات خود را نوشته‌اند که اینها در قالب کتاب، بسیار خواندنی هستند. نزدیک به ۲۵۰ جلد در این زمینه موجود است. ما در ادبیات فلسطین با رنج‌هایی برخورد می‌کنیم که شیرین می‌شوند و این اتفاق بزرگی در رمان و ادبیات یک ملت است. مثلاً رمان ربیع حار که به «بهار در آتش» ترجمه شده است، اثر رمان‌نویس فلسطینی سحر خلیفه است. این رمان اولین بار در سال ۲۰۰۴ به چاپ رسیده است. موضوع آن در مورد حوادث مربوط به انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ م محاصره و تجاوز به شهرهای فلسطین توسط اسرائیل است. خلیفه در این رمان با نگاهی واقع‌گرایانه و انتقادی در خلال داستان به مشکلات موجود در جامعه به خصوص مشکلات زنان می‌پردازد. وی در دو بخش مجزا حوادث قبل از انتفاضه دوم و پس از آن را به صورت متوالی بیان می‌کند.

او گفت: کتاب مردانی در آفتاب اثر غسان کفانی نیز در اینجا قابل ذکر است. غسان کفانی، یکی از سه شخصیت برتر رمان عرب است. جنگ سال ۱۹۴۸ میان بریتانیا و اعراب باعث شد او همراه خانواده به لبنان و سوریه کوچ کند. در حین تحصیل در رشته ادبیات عرب به جبهه مردمی برای آزادی فلسطین پیوست. کویت را به عنوان محل زندگی برگزید. روزنامه‌نگاری پیشه کرد و سردبیری چندین مجله‌ی سیاسی ادبی را برعهده گرفت. در مقالات، گزارش‌ها، ترجمه‌ها و



کتاب‌هایی که می‌نوشت، به ساخت هویت فلسطینی در قالب واژگان می‌پرداخت. اثر غسان کفانی، جزو صد رمان برتر ادبیات عرب قرار دارد. نویسنده، سرگذشت سه مرد فلسطینی، از سه نسل متفاوت را تعریف می‌کند که قصد دارند به صورت غیرقانونی به کویت سفر کنند. شخصیت‌های مفکوری که به جای ماندن، طغیان کردن، مخالفت کردن و کار کردن تلاش می‌کنند مختصات سکونت‌گاهشان را تغییر دهند. کفانی در این کتاب با استفاده از زبان عربی معیار درباره فلسطینیان نوشته است. او تلاش می‌کند با سرخوردگی‌ها، ناامیدی، حس شکست و سردرگمی هموطنانش در حین اقامت در سرزمین‌های اشغالی مقابله کند.

دکتر هاشمی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) در این نشست گفت: داستان بازگشت به حیفا با محوریت التکبیت نوشته شده است و از آثار سه تاسیس رژیم صهیونیستی بر زندگی فلسطینی‌ها صحبت می‌کند. در فلسطین انتفاضه چاقو داریم؛ یعنی هر نوجوانی با چاقو به صهیونیست‌ها اگر بتواند یورش می‌برد و این نشانه عجز اسرائیلی‌هاست؛ اما فقدان رهبری در انتفاضه موثر بوده است. بعضاً گفته می‌شود که جوانان و نوجوانان امروز فلسطین آرمان قدس ندارند و پای سرپال‌های ترکی می‌نشینند، مواد می‌کشند، در قید و بند مذهب نیستند و... اما طوفان الاقصی و واقعیت‌های اجتماعی کف جامعه فلسطین چیز دیگری است. این نسل زنده و پویاست و فعالیت می‌کند. در بخشی از رمان‌های فلسطینی این تفکر به مخاطب عرضه می‌شود که فلسطینی‌ها مشکل دارند و مدام با دیگران بحث می‌کنند، عصبانی هستند، خطرناک هستند و... این روایت، روایتی صهیونیستی است.

محمدحسن شاهنگی (دبیر گروه ادبیات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه) در خاتمه گفت: در داستان بازگشت به حیفا مثل این است که ما یک دور حوادثی که امروز در غزه و فلسطین رخ می‌دهد، مرور می‌کنیم و می‌خوانیم؛ همه مادرکشی‌ها، کودک‌کشی‌ها، گورهای دسته‌جمعی، بمباران‌های گاه و بی‌گاه، ویرانی خانه‌ها، آوارگی‌ها، بی‌خانمانی‌ها و... در این داستان به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد قالب‌های غیر داستانی دیگری مانند مستندنگاری، روایت و... آرام‌آرام جای خود را در بین مخاطبان و نیز نویسندگان فلسطینی باز کرده‌اند. اگر روزی در جهان عرب فقط بزرگانی مانند نجیب محفوظ قابل ذکر بودند اما امواج انتفاضه و طوفان الاقصی به نویسندگان نوگرای فلسطینی جرئت و شهامت دیده‌شدن، گفتن و نوشتن داده است.



جشن غدیر، زیر سایه انتخابات گم نمی‌شود

«مهمونی ده کیلومتری» نقطه تمایز سال‌های اخیر کشورمان با دیگر مناطق شیعه‌نشین دنیاست. مردم حالا حدود سه سال است که از گوشه و کنار، اهل هیأت یا اهل بازار، پیر یا جوان، هر کدام برای شاد کردن دل امام اول‌شان در این خدمت شیرین سنگ تمام می‌گذارند؛ آنها از هیچ کاری در برگزاری هرچه بهتر مهمونی ده کیلومتری دریغ نمی‌کنند و توان‌شان مادی و معنوی برای برپایی این جشن خیابانی می‌گذارند.

بسیاری معتقدند غدیر در تمام این سال‌ها آن طور که باید مورد توجه قرار نگرفته است؛ اما روزه امید آنجاست که امسال اگر چه غدیر درست در میانه رقابت‌های انتخاباتی قرار گرفته اما رسانه‌ها نیز می‌کوشند اخبار آن را پا به پای مباحث انتخاباتی پیش ببرند و در بخشی از اخبار خود، موضوعات مربوط به این جشن بزرگ را پوشش دهند.

نگاهی به اخبار منتشر شده روزهای اخیر خبر از آن دارد که رسانه‌های چاپی و برخط مخاطبان خود را از جزئیات برگزاری مهمونی ده کیلومتری با خبر کرده‌اند تا در تاریخ بماند که، غدیر در ایران گم شدنی نیست.

زارع، دبیر ستاد مردمی مهمانی ۱۰ کیلومتری گفت: در روز عید غدیر، با ۳۶۰ کیلومتر مهمانی در کشور مواجهیم؛ ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۱۰ شب در محور میدان آزادی تا خیابان دماوند ۲۲۰۰ موبک مردمی مستقر خواهند شد. امسال نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد افزایش موبک داشتیم و ۳۰۰ شهر کشور مهمونی کیلومتری دارند.

زارع اشاره داشت تمامی ۲۲ قوم کشور موبک اقوام خواهند داشت؛ ۴ سکوی اجرای محوری در ۴ میدان اصلی تهران از طرف صدا و سیما پوشش زنده خواهند داشت.

■ خادمان نوجوان پذیرای عاشقان امیرالمومنین هستند

مسئول پردیس جماران در گفتگو با مهر: در جشن غدیر برای نوجوانان برنامه‌هایی تدارک دیده شده از بازی‌های فکری تا اهدا هدایا. همچنین نوجوانان اعضای گروه سرود هستند. نوجوانان خودشان خادم موبک هستند و از عاشقان امیرالمومنین پذیرایی می‌کنند.

بحث‌های اعتقادی برای ما بسیار اهمیت دارد و از این رو در بحث نماز جماعت از مکبر تا پهن کردن جانمازها به دست نوجوانان است که کارکرد اصلی آن ارتباط چهره به چهره‌ای که نوجوانان با یکدیگر برقرار می‌کنند و به بحث و گفت و گو می‌پردازند.

قسمتی برای والدین در نظر گرفته شده است که گفتگو‌هایی در خصوص انتخابات است انجام می‌شود تا بتوانند انتخاب خوبی داشته باشند.



سینما ۵۰ میلیاردی شد

صدرنشین گیشه بهار کدام فیلم بود؟

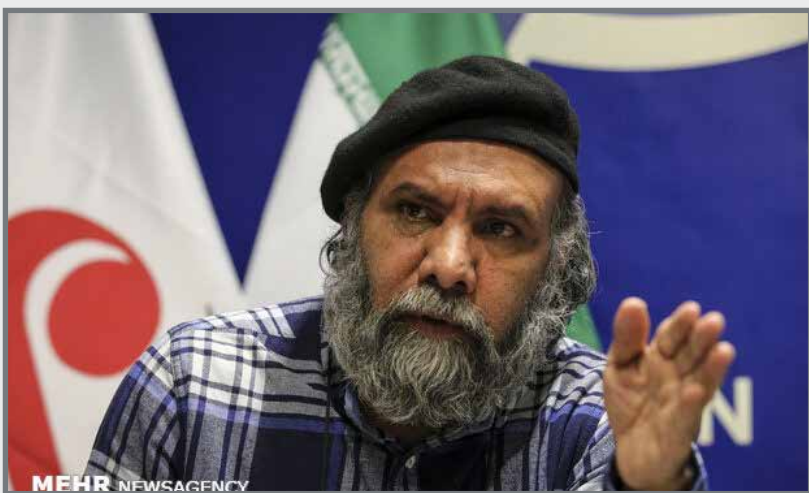
سینمای ایران در حالی بهار را پشت سر گذاشت که بیش از ۱۹ فیلم به پرده آمده و مجموع فروش سینما از مرز ۵۰ میلیارد تومان عبور کرده است.

«تگزاس ۳» با در اختیار داشتن ۴۷۶ سالن سینما، توسط ۴۶۸ هزار نفر تماشا شده و به فروشی بیشتر از ۲۶ میلیارد تومان رسیده است و با فروشی معادل هفته قبل در صدر جدول هفتگی فروش قرار گرفته است.

آهن پاره‌ها تئاتر شهر را احاطه کرده‌اند!

ناراحتی هنرمندان تئاتر

امیر دژاکام



دژاکام با بیان اینکه موزه فرش و اماکن فرهنگی درباره وضعیت پیرامون مجموعه تئاتر شهر که به بهانه ایجاد حریم مجموعه چندماهی است محصور شده است، به خبرنگار مهر گفت: چندین سال است درباره اینکه فضا و حریم اطراف تئاتر شهر دارای یک نمای زیبا با یک معماری و بافت زیبا باشد صحبت شده است اما متأسفانه چند ماه است به اسم افتتاح طرح حریم مجموعه تئاتر شهر دور تا دور مجموعه با آهن‌های کهنه و پاره محصور شده است. فضای پیرامون تئاتر شهر نظافت نشده و اطرافش آلوده‌تر شده و یک محیط نامناسب و چرک شکل گرفته است.

وی متذکر شد: این چه کاری است که یک پروژه را با حضور هنرمندان افتتاح می‌کنند ولی محیط پیرامون تئاتر شهر را با نصب چند حلبی کهنه رها کرده‌اند. الان از پیاده روی تئاتر شهر نمی‌توان عبور کرد. باید دور تئاتر شهر خرید تا از راهرویی تنگ عبور کرد و به دور تئاتر شهر رسید.

وی تصریح کرد: دور تا دور تئاتر شهر پر از زباله شده است و وضعیت خیلی ناراحت‌کننده‌ای را شاهد هستیم.

دژاکام از مسئولان شهرداری خواستار شد تا به این موضوع توجه کنند.

وی در بخش پایانی سخنان خود یادآور شد: هیچ اقدامی از سوی شهرداری انجام نمی‌شود. افتتاح طرح به معنی نصب پاره‌ها و رها کردن آن‌ها نیست. برای بهبود این وضعیت ناراحت نکنید.



به جهان نابرابر جدید خوش آمدید

سیدن دوستی مطلق

طرحی برای ایجاد تغییر بزرگ: یکی از مهمترین و اثرگذارترین عامل موثر در زندگی ام بیابیه گام دوم انقلاب است. این بیابیه اصلا شده خطکش و راهنمای مسیرم و هر کار و یا فعالیتی که بخواهم تعریف کنم باید نسبتش با این راهنمای ارزشمند مشخص باشد. این بیابیه دو آرمان دارد که عبارتند از ایجاد تمدن نوین و زمینه سازی برای ظهور. مخصوصا آرمان اول که ایجاد تمدن نوین اسلامی است خیلی برایم سنگین بود و در این مهم کلمه نوین مدتها ذهنم را به خودش مشغول کرد و ساعتها و روزها روی آن فکر کردم و مطالعه و مباحثه کرده ام و سوال مهم برایم این بود که چرا رهبر معظم انقلاب به جای «ایجاد تمدن نوین اسلامی» «ایجاد تمدن اسلامی» را مطرح نکردند؟ بررسی‌هایم هنوز هم ادامه دارد و ساعتها و هفته‌ها و ماه‌ها و سال‌ها دارد می‌گذرد. وقتی زنجیره ۵ گانه انقلاب اسلامی — نظام اسلامی — دولت اسلامی — جامعه اسلامی — تمدن اسلامی را با دقت بررسی کردم و دیدم که زنجیر اول یعنی انقلاب ما انفجار نور بود و یک دنیا نور را در دنیای تاریک روشن کرد و امیدی شد برای آزادی خواهان عالم. به زنجیر دوم یعنی نظام که رسیدم مدتها گیر کردم و بالاخره به این نتیجه رسیدم که نظام در واقع ترجمه همان سیستم است و برای پیاده سازی انقلاب و ساری و جاری کردن آن باید دانش سیستم داشت و از آنجا که با انسان و اجتماع مواجه هستیم پس باید دانش سیستم‌های پیچیده را دانست تا بتوان به سراغ زنجیره‌های دیگر رفت (لازم به ذکر است که خود دانش سیستم‌های پیچیده یک دانش چند رشته‌ای و بین رشته است که شامل علوم مثل ریاضیات غیرخطی — نظریه آشوب — نظریه شبکه — نظریه بازی‌ها — نظریه سیستم‌ها و ... است و وقتی بخواهد وارد حیطه انسان شود باید علوم اجتماعی و علوم انسانی و ... را نیز اضافه کرد و یکی از

دلایلی که دولت‌ها و نهادهای مختلف از مرحله نظام به دولت سازی و جامعه سازی و تمدن سازی که می‌رسند درجا می‌زنند همین ناشستن این دانش توسط دولتمردان است. و عملکرد چهل و اندی ساله مسولان و نهادهای مختلف که بررسی می‌شود و شکاف وضع موجود جمهوری اسلامی ایران و تمدن نوین اسلامی را که مشاهده می‌شود خود دلیلی برای این مهم است. بیابیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری عبارات و کلیدواژه‌هایی دارد که از منظر واژه‌شناسی (ترمینولوژی) به مثابه تولید ادبیات جدید در تعریف و تبیین ماهیت انقلاب اسلامی ایران است. یکی از این عبارات به کار رفته در بیابیه، اصطلاح "نظریه نظام انقلابی" است که هم، ترم و واژه جدیدی است و هم عنوانی برای نظریه‌پردازی جدید پیرامون انقلاب اسلامی ایران است که نیاز به تبیین و شرح و بسط جدی دارد.

این واژه یا اصطلاح، در واقع مبنای نظریه‌پردازی سیاسی درباره ماهیت انقلاب اسلامی ایران است که در صورت تبیین و تشریح جامع و کامل می‌تواند در بازشناسی چپستی انقلاب اسلامی ایران در چارچوب بحث نظری، برخی از خلاءهای موجود در این عرصه و ساحت را پر کند. البته در فرازهای مختلفی از این بیابیه جملاتی آمده است که به نوعی بیانگر معنی و مفهوم نظریه نظام انقلابی است و مقام معظم رهبری خود در اشاراتی کوتاه مراد از این واژه و عبارت جدید را بیان کرده است.

از جمله این فرازاها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست.

انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند.

جمهوری اسلامی متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو فاقد احساس و ادراک نیست اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزهای خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌میلالتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا و چگونه بماند. دقت و تأمل در عباراتی مانند: پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف، جوشش انقلابی، دوری از تحجر، چرا و چگونه ماندن که در جملات بالا به کار رفته بیانگر وجود نوعی نظام و سامانه درونی در بتن انقلاب است که انقلاب و نظام را از ایستایی و جمود نجات می‌دهد و پیوسته آن را در حال حرکت و پالایش نگه می‌دارد.

در بررسی‌هایم در کلمه «توی» در «ایجاد تمدن نوین اسلامی» نیز به این نتیجه رسیدم که برای ایجاد این مهم نیاز به ساختار نوین، بافتار نوین، نهادهای نوین، روش‌های تربیتی نوین، فرایندهای نوین و ابزارهای سخت و نرم نوین است.

در این طرح که بعد از مدتها آماده کرده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که برخی از نهادها و ساختارهای جمهوری اسلامی ایران خودشان چون نتوانستند ساختار، بافتار، فرایندها، مرفاها، ابزارهای سخت و نرم شان را انطور که باید به روز کنند، خود ترمز رسیدن به این تمدن شده‌اند. و باید بگویم که از آنجا که جامعه اطلاعاتی کشور و ...

نیز نهادهای امنیتی کشور، که خود در واقع حکم مغز و سلول‌های عصبی این امت بزرگ را دارند باید هم خود بتوانند در گذر زمانه، با دانش‌های روز مجهز باشند و هم سایر نهادهای کشور را همراه کنند، ولی با همان مکانیزم‌های حکمرانی ۴۰ سال پیش دارند به مسیر خود ادامه می‌دهند، غافل از اینکه ما در عصر سیستم‌های پیچیده، کوانتوم، شبکه و اینترنت، حکمرانی الگوریتمی و الگوریتم‌های حکمرانی، داده و هوش مصنوعی و نظریه بازی‌ها و جنگ بازی‌های ترکیبی هستیم. با بررسی‌های حدودی که انجام داده‌ام و از آنجا که آرمان‌مان مشخص هست و ایجاد تمدن نوین اسلامی است و باید با دانش، فهم و بصیرت متناسب با آن حرکت کنیم، ولی شکاف وضع موجودمان با آرمان ناگفتنی است و راه علاج این است که ابتدا مغز و سلول‌های عصبی بتوانند با سنجدهای تمدن نوین اسلامی خود را هماهنگ نمایند. در این طرح که البته بخش زیادی از آن پیش رفته است به این نتیجه رسیدم که ما باید با فهم درست «نظریه نظام انقلابی» و «تمدن نوین اسلامی» و نیز استفاده از تجربه‌های موفق بشری در حوزه‌هایی مثل «سیستم‌های پیچیده»، «کوانتوم»، «شبکه و اینترنت»، «حکمرانی الگوریتمی و الگوریتم‌های حکمرانی»، «حکمرانی داده و هوش مصنوعی» و «نظریه بازی‌ها و جنگ بازی‌های ترکیبی» زمینه برای اجرا و پیاده سازی انقلاب فراهم کرد ...

runway

معرفی یک مدل جدید تولید ویدئو از سوی شرکت Runway

به نقل از وبگاه خبری تک‌کراچ، شرکت فناوری «Runway»، تولیدکننده ابزارهای هوش مصنوعی مولد برای سازندگان محتوای چندرسانه‌ای، از مدل جدید خود، موسوم به «Alpha ۳-Gen»، رونمایی کرد. این مدل قادر است، با استفاده از توصیفات متنی و تصاویر ثابت، کلیپ ویدئویی تولید کند. بنا بر اعلام «Runway»، سرعت و دقت تولید ویدئویی این مدل نسبت به مدل قبلی، «Gen-۲»، بهبود چشمگیری یافته است و کنترل‌های دقیق‌تری بر ساختار، سبک و حرکت ویدئوها ارائه می‌دهد.

مدل «Alpha ۳-Gen» به زودی در دسترس مشترکین این شرکت قرار خواهد گرفت. این مدل می‌تواند اعمال، ژست‌ها و احساسات شخصیت‌های انسانی را تولید و سبک‌ها و اصطلاحات سینمایی را درک کند.

با این حال، «Alpha ۳-Gen» نیز همچنان محدودیت‌هایی دارد و فیلم‌های تولید شده آن حداکثر ۱۰ زمان دارند. آناستاسیس ژرمانیدیس، هم‌بنیان‌گذار «Runway»، اعلام کرد که «Gen-۳» تنها نخستین و کوچک‌ترین مدل از چندین مدل نسل جدید است که بر زیرساخت‌های ارتقاء یافته آموزش دیده‌اند. این مدل‌ها ممکن است، با تعاملات پیچیده کاراکترها و اشیاء دچار مشکل شوند و همیشه قوانین فیزیکی را به دقت رعایت نکنند.

مدل مذکور با تعداد زیادی مثال‌های ویدئویی و تصاویر آموزش دیده است. شرکت «Runway» اعلام کرده که در توسعه این مدل با هنرمندان مشورت کرده و قصد دارد، «Gen-۳» را با مجموعه‌ای از محافظت‌های جدید، از جمله سیستم تعدیل محتوا و سیستم احراز هویت منتشر کند.

این شرکت همچنین با سازمان‌های پیشرو در صنعت سرگرمی و رسانه همکاری کرده است، تا نسخه‌های سفارشی‌شده این مدل مجهز به کنترل‌های سبک‌شناختی و شخصیت‌های ثابت را ارائه دهند. با این حال، کنترل‌های تولید ویدئو همچنان یک مشکل بزرگ است؛ زیرا تولید ویدئوهای سازگار با نیات هنری سازندگان همچنان نیاز به کار دستی گسترده‌ای دارد.

شرکت «Runway» تاکنون بیش از ۲۳۶٫۵ میلیون دلار از سرمایه‌گذاران، از جمله گوگل و انویدیا، جذب کرده است. این شرکت همچنین با استودیوهای بزرگ همکاری و فستیوال فیلم هوش مصنوعی را که به نمایش آثار تولید شده با هوش مصنوعی اختصاص دارد، برگزار می‌کند.

مردم: شرکای فعال دولت یا خدمت‌گیرندگان منفعل؟



جای خالی امیدآفرینی

اسماعیل فخریان

چقدر جای پمپاژ «امید» با تبیین راه طی شده در کشور، در میان مباحث کاندیدها خالی است. فرمود مهم‌ترین جهاد شما در گام دوم، جهاد امیدآفرینی است. فرمود به «قله نزدیکیم»، فرمود بیشتر مسیر را طی کرده‌ایم! اگر مسیر طی شده درست تبیین شود، اگر چگونگی طی این مسیر هم درست تبیین شود، آرا در سبد آن نامزدی خواهد ریخت که نشان دهد می‌تواند راه مانده تا قله را طی کند.

نامزدهای جبهه انقلاب بدانند، بهترین راه برای جلب آرا، امیدآفرینی است. خصوصا با بهره‌گیری از عملکرد شهید جمهور. کاندیدهای جبهه انقلاب نایبستی در تله پاسخ به سیاه‌نمایی‌ها بیفتند. قبل از آن باید «سفیدی‌ها» را با بهترین بیان بگویند. نگذارید دلمان در رقابت‌های انتخاباتی، باز هم برای رئیس‌ی بسوزد. رئیس‌ی هم اعتماد را زنده کرد و هم امید را. چقدر در این ایام می‌توان از فرصت‌ها استفاده کرد و ذهن‌ها را تنظیم کرد! کاش استفاده کنیم.



حالا، هنوز هم می‌شه و باید بشه که اگه واقعا دغدغه آینده انقلاب و نظام اسلامی رو داریم، گفتمان اون کاندیدایی رو که به ترمیم رابطه ملت و دولت اعتقاد داره، تقویت کنیم. این روزها شجاعانه باید بگیم که تقویت حکمرانی در گرو همکاری مردم و دولته و نشوندن مردم توی جایگاه خدمت‌گیرنده صرف، یه دروغ بزرگه.

فردا روز آرزو می‌کنن ای کاش این خدمات مفت و رایگان مقطعی بهشون داده نمی‌شد.

اما وقتی یه کاندیدا میاد و با صداقت از امکان تغییر شرایط با نقش‌آفرینی فعال خود مردم حرف می‌زنه و می‌گه اگه فرصتی باشه، همه باید توی تحقیق سهیم باشن، این خودش نویدبخش امید به آینده جمهوری اسلامی‌ست. این که مردم فقط خدمت‌گیرنده نباشن، بلکه همکار و شریک دولت بشن.

هویت جمعی هم دقیقا به همین وابسته است. اگه جامعه یه هدف مشخص داشته باشه و همه افراد توی تحقق اون هدف نقش داشته باشن، این هویت جمعی رشد می‌کنه. ولی اگه عده‌ای خودشون رو موتور پیشران جامعه بدونن و بقیه رو فقط خدمت‌گیرنده فرض کنن، این بزرگ‌ترین خیانت به انسجام و هویت جمعیه

دولت آقای رئیس‌ی، اگرچه توی وعده‌های پیشانتخاباتی، توی دام بازی‌های شناختی معمول افتاد و سعی کرد مسئولیت رو یه طرفه به عهده بگیره، ولی توی دولتش آدم حسابی‌هایی هم بودن که به مشارکت و تعامل متقابل دولت و ملت باور داشتن و سعی کردن این رو توی ساختار دولت نهادینه کنن.

توی این چند جلسه مناظره اخیر، یه نکته‌ای خیلی برام جذاب بود. در بین همه نامزدها، یه نفرشون، برخلاف بقیه، برنامه و وعده‌هاش رو حول خدمت‌رسانی صرف به مردم تجمیعه بود، بلکه معتقد بود که مردم باید نقش فعالی توی برنامه داشته باشن. این کاندیدا برخلاف بقیه، مردم رو نه به عنوان خدمت‌گیرنده‌های صرف، بلکه به عنوان همکارها و شرکای اصلی خودش می‌بینه.

در مقابل، بقیه کاندیدها، دست کم این چند روز منتهی به انتخابات، سعی می‌کنن مردم رو به عنوان خدمت‌گیرنده‌های منفعل جا بززن. یعنی انگار قراره مردم فقط بشینن و منتظر باشن تا کسی که رئیس‌جمهور می‌شه، حقوق از دست رفته‌شون رو بهشون برگردونه، مشکلاتشون رو حل کنه، و هر روز وعده‌های بهتری بهشون بده تا محبوبیتش رو حفظ کنه.

مشکل اصلی اینه که نگاه به مردم به عنوان مهره‌های منفعل که فقط خدمات می‌گیرن و بعد براساس کیفیت اون خدمات، تصمیم می‌گیرن که وفادار بمونن یا نه، یه برنامه پوچ و بی‌فایده است. این فقط توی بازی‌های رسانه‌ای دم انتخابات جواب می‌ده و واقعیت جامعه رو تغییر نمی‌ده.

حالا حتی اگه دولتی بتونه این خدمات فراگیر رو ارائه بده، باز هم این خدمت‌رسانی سطحی خواهد بود. این خدمات رایگان و یه طرفه در طولانی مدت، هزینه‌های سنگینی برای خود مردم به بار می‌آره که

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۷۵۰۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۲۱۲۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۷۵۰۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



صدر نشین گیشه بهار کدام قیلم بود؟

سینمای ایران در حالی بهار را پشت سر گذاشت که بیش از ۱۹ فیلم به پرده آمده و مجموع فروش سینما از مرز ۵۰۰ میلیارد تومان عبور کرده است.

جشن غدیر، زیر سایه انتخابات گم نمی شود

مردم حالا حدود سه سال است که از گوشه و کنار، اهل هیأت یا اهل بازار، پیر یا جوان، هر کدام برای شاد کردن دل امام اولشان در این خدمت شیرین سنگ تمام می گذارند!



VAR با کدام داور؟

فریدون حسن

این روزها اخبار زیادی در خصوص تجهیز ورزشگاه‌های میزبان فصل آینده لیگ برتر به سیستم VAR به گوش می‌رسد. اخباری که هنوز نمی‌توان در خصوص صحت و سقم آن حرف زد، چراکه با توجه به سابقه‌ای که از کت‌وشلوارپوش‌های ورزش و فوتبال سراغ داریم سروصدای راه افتاده نشان از انجام نشدن کار دارد و بس!

قبلاً هم از این قیل و قال‌ها داشته‌ایم که آقایان گفته‌اند می‌خواهیم چه بکنیم و چه، اما نهایتاً کاری صورت نگرفته که اوضاع بدتر از قبل هم شده و همان داشته‌های اندک هم به باد رفته است. حالا هم اوضاع همان است. سروصدایی به راه افتاده که VAR می‌آید، ولی همه خوب می‌دانیم که رخ دادن این اتفاق خوب تا چه حد از فوتبال ایران دور است. اما...

اما به فرض محال که در یکی، دو ماه باقیمانده تا زمان آغاز فصل جدید لیگ برتر سیستم کمک‌داور ویدیویی به فوتبال ایران آمد و در ورزشگاه‌هایی که حتی بدهی‌ترین امکانات را هم ندارند نصب شد (تأکید می‌کنیم به فرض محال)، خب سؤال مهم اینجاست که آیا ما به تعداد بازی‌ها و ورزشگاه‌هایی که قرار است با این سیستم از مسابقات میزبانی کنند، داور واجد شرایط و آموزش دیده داریم که بتوانند از این سیستم استفاده کنند؟

این مسئله نکته بسیار مهمی است که ظاهر از دید آقایانی که این روزها باد در غیبه می‌اندازند و فقط ادعا می‌کنند پنهان مانده است. هر چند که به جد بر این باوریم که حتی اگر این آقایان متوجه این مسئله مهم هم باشند برایشان اهمیتی ندارد، چون این قماش از کت‌وشلوارپوش‌های ورزش فقط می‌خواهند با سروصدا مثلاً بگویند که کاری انجام داده‌اند. درست و غلط هم اصلاً مهم نیست. این‌ها می‌خواهند رزومه نداشته خود را پر کنند و فردا «پز» بدهند که این کار در زمان مدیریت ما انجام



مذاکره تراکتور با بازیکنان پرسپولیس

واکنش مظفری زاده، سرپرست باشگاه تراکتور نسبت به جذب سه بازیکن پرسپولیس: ما قبلاً برخی بازیکنان را برای فصل بعد مدنظر داشتیم ولی وقتی بحث واگذاری مطرح شد کارها همانطور ماند و اکنون همه تمرکزمان روی واگذاری است. چیزی تا شروع فصل آینده نمانده و با توجه به اینکه سهمیه آسیایی داریم باید سریعاً تصمیم‌گیری شود. چند روز پیش نامه‌ای از فدراسیون داشتیم که وضعیت مالکیت مشخص شود، چون به هر حال در صورت واگذاری باشگاه باید بحث مجوز حرفه‌ای بار دیگر مورد بررسی قرار بگیرد و دوباره از امکانات بازدید شود. در حال حاضر تمام تمرکز ما روی مسئله واگذاری است.

محدودیت‌های فدراسیون در قرارداد دردهای سنی مختلف

- انعقاد قرارداد با بازیکنان بالای ۳۰ سال به مدت یک ساله است و باشگاه مجاز به انعقاد قرارداد بیش از یک سال با بازیکنان گروه سنی بالای ۳۰ سال نمی‌باشند.
- تمدید قرارداد با افزایش مبلغ، بیش از ۳۰٪ ممنوع است.
- حداقل مدت قرارداد بازیکنان زیر ۳۰ سال نباید کمتر از ۲ سال باشد و قراردادهای منعقد شده کمتر از دو سال برای این گروه سنی در سازمان لیگ قابل ثبت نمی‌باشند.
- حداقل مدت قرارداد بازیکنان زیر ۲۳ سال نباید کمتر از ۳ سال باشد و قراردادهای منعقد شده کمتر از سه سال برای این گروه سنی در سازمان لیگ قابل ثبت نمی‌باشند.
- حداقل مدت قرارداد بازیکنان زیر ۲۱ سال نباید کمتر از ۴ سال باشد و قراردادهای منعقد شده کمتر از ۴ سال برای این گروه سنی در سازمان لیگ قابل ثبت نمی‌باشند.
- بدهی است پس از پایان قرارداد، این بازیکنان "بازیکن آزاد" محسوب می‌گردند.

بازی فدراسیون فوتبال با شعور مخاطب

دنیا حیدری



جدا از مواردی، چون پرداخت پاداش بابت کلین شیت، پاس گل، گل بین‌المللی و... بود. در واقع عدم بازنگری دقیق قوانین وضع شده و خلأهای موجود در آن باعث شده بود، مدیران ناکارآمد باشگاه‌ها و بازیکنان بیش از قبل به بیت‌المال دست‌درازی کنند. به طوری که حتی بازیکنان برای بدایمی حضور خود در ترکیب اصلی یا ۱۸ نفره نیز پاداش می‌گرفتند و در بسیاری مواقع مبلغ آپشن‌ها و پاداش‌ها از رقم اصلی قرارداد به مراتب بیشتر هم بود.

قانون منع استفاده از دروازه‌بان خارجی یکی دیگر از قوانین ناکامی بود که فدراسیون فوتبال وضع کرد. قانونی که مانع از رقابت گلرهای داخلی با خارجی شد و قیمت دروازه‌بانان را به شکلی وحشتناک و غیرمنتظره بالا برد، اما با وجود تأثیر منفی و شکست این قانون، چند سال بعد فدراسیون قانونی مشابه وضع کرد که این مرتبه حضور هر بازیکن خارجی را منع می‌کرد. قانونی که همانند قانون منع استفاده از دروازه‌بان خارجی رقم قرارداد بازیکنان داخلی را به شکلی نجومی بالا برد به طوری که سال بعد فدراسیون ناچار شد این قانون را هم مثل دیگر قوانین خلق‌الساعه‌ای که جز ضرر برای فوتبال در پی نداشت، لغو کند

هیچ‌یک از این قوانین وضع شده و نتایج تلخ و ناکام آن نتوانست برای آقایان تجربه شود تا حداقل در وضع قانون بعدی اندکی صبر و حوصله بیشتری به خرج داده یا حتی در وضع قوانین بعدی اندکی اصولی‌تر رفتار کنند. حتی در مقطعی (سال ۱۳۴۱) بحث قانون ناکام سقف قرارداد بار دیگر مطرح شد، اما درست وقتی که مدت زمان قابل توجهی از فصل نقل و انتقالات سپری شد و برخی باشگاه‌ها تقریباً تیم‌شان را برای فصل بعد بسته بودند و تازه سازمان لیگ با ارسال نامه‌ای به باشگاه‌ها خواسته بود تا نظرات‌شان را در رابطه با اجرای محدودیت‌ها و نظارت‌ها در بازار نقل و انتقالاتی فوتبال ایران اعلام کنند، اتفاقی که نشان از بی‌اهمیت بودن اصل ماجرا برای قانونگذاران داشت!

سال گذشته فدراسیون فوتبال با قیافه‌ای حق به جانب، قانونی دیگر وضع کرد. قانون سقف بودجه که بنا بر شرایط باشگاه‌ها و حضور آن‌ها در لیگ قهرمانان آسیا و مواردی از این قبیل متفاوت بود. ادعای تاج فیرپلی مالی بود. رئیس فدراسیون مدعی بود آپشن‌ها تنها می‌توانست ۲۰ درصد قراردادها باشد. باشگاه‌ها موظف به عقد قرارداد به پول رایج کشور بودند تا اسیر شکایت‌های دلاری و یورویی نشوند؛ قراردادهای یک‌ساله بسته می‌شد تا مدت دلال‌ها کوتاه شود. بازگشت لژیونرها به صورت قرضی ممنوع شد و بازیکن خارجی باید ۶۰ درصد از بازی‌ها را در زمین

بازی می‌کردند. هیچ باشگاهی حق پرداخت مالیات بازیکنان و مربیان را نداشت. تیم‌ها باید ۱۹ بازیکن بزرگسال می‌گرفتند و مابقی باید زیر ۲۵ سال می‌بودند. تاج مدعی بود که چهار تیم بیش از ۶۳ درصد هزینه کل لیگ را انجام می‌دهند و این عادلانه نیست و عبور از قانون سقف بودجه جرمیمه کسر امتیاز داشت که اتفاقاً گریبان برخی تیم‌ها را هم گرفت، اما در نهایت تمام ادعاهای سفت و سخت آقایان ملغی شد و امتیازهای کسر شده به حساب تیم‌های متخلف عودت داده شد تا فدراسیون خود قانونی که مدعی بود، قرار است فیرپلی مالی ایجاد کند، نادیده گرفت و زیر پا گذاشت! چرا که یک باشگاه زیر بار نرفت و رئیس فدراسیون هم کوتاه آمد!

امسال فدراسیون بدون توجه به تجربه ناکام گذشته و شعور مخاطب، بار دیگر بحث قانون سقف بودجه را مطرح کرده است. گویی که قانونگذاری به یک بازی مفرح برای آقایان تبدیل شده! با این تفاوت که این مرتبه برخی قوانین تغییر کرده، یعنی برخلاف سال قبل که عقد قرارداد یک‌ساله ممنوع بود، حالا باشگاه‌ها نمی‌توانند با بازیکنان بالای ۳۰ سال قراردادی بیش از یک‌سال ببندند. جدا از آنکه بسیاری از بازیکنان مطرح فوتبال ایران بیش از ۳۰ سال سن دارند، گویا فدراسیون در زمان وضع قوانین جدید نگاهی به قوانین قبلی خود نمی‌کند که اگر می‌کرد، هر سال با نقض قانونی قبلی، قانونی متفاوت وضع نمی‌کرد قوانینی که در ظاهر می‌توانند تأثیرگذار و مفید باشند، درست مثل قانونی که می‌گوید بازیکنان زیر ۱۸ سال تنها با اجازه ولی خود می‌توانند با باشگاه‌ها قرارداد ببندند، اما در واقع هیچ یک از این قوانین سودی که برای فوتبال ایران ندارند هیچ، ضرر هم دارند، چراکه نه اصولی و کارشناسانه وضع شدند و نه ضمانت اجرایی دارند و در اصل تنها چند جمله زیبا و فریبنده هستند و بس!